

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین دادرسی کیفری
به زبان ساده

مؤلف:

دکتر بابک فرّهی

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: آیین دادرسی کیفری به زبان ساده/مؤلف بابک فرهی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۷۳ ص.
شابک	: ۹-۶۴۲-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۴۴۳]-۴۴۴.
موضوع	: آیین دادرسی جزایی -- ایران Criminal procedure -- Iran
شناسه افزوده	: فرهی، بابک، ۱۳۵۷ - گردآورنده
رده بندی کنگره	: KMH۴۶۰۴
رده بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۷۱۱۳۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

نام کتاب	: آیین دادرسی کیفری به زبان ساده
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: دکتر بابک فرهی
نوبت و سال چاپ	: اول-۱۴۰۲
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹-۶۴۲-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
قیمت	: ۲۸۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷- تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

مقدمه مؤلف

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری که قرار بود سه ساله باشد، پانزده ساله شد و هرچه زمان بیشتری سپری شد، کاستی‌ها و نواقص آن بیشتر آشکار شد. در این پانزده سال قوانین متعدد دیگری به تصویب رسید که هر یک به نوع خود به دادرسی کیفری مربوط بود؛ از احیاء دادسرا در سال ۱۳۸۱ تا قانون نظارت بر رفتار قضات در سال ۱۳۹۰ و همه این موارد تصویب یک قانون جدید منطبق با نیازهای روز را ایجاب می‌کرد تا اینکه سرانجام قانون آیین دادرسی کیفری در اسفندماه ۱۳۹۲ به تصویب رسید.

قانون جدید همانند قوانین قبلی باز هم در ساختار دادرسی کیفری تغییرات عمده‌ای ایجاد کرده است که از جمله آن حذف دادگاه‌های کیفری استان و تشکیل مجدد دادگاه‌های کیفری یک و دو می‌باشد و با توجه به همین تغییرات است که بنا بود قانون، شش ماهه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجرا شود که با گذشت این مدت نیز قانون، لازم‌الاجرا نشد با الحاق مواد مربوط به دادرسی نیروهای مسلح و آیین دادرسی الکترونیک، اجرای آن به اول تیر ماه نود و چهار موکول گردید و قبل از فرا رسیدن این مهلت نیز قانونگذار اصلاحاتی (۳۸ ماده) در قانونی که هنوز لازم‌الاجرا نشده بود انجام داد و زمزمه‌های به تاخیر انداختن قانون برای یک سال دیگر نیز شنیده شد که خوشبختانه در آخرین لحظه ماده مربوط به تاخیر اجرای قانون حذف شد و مقرر شد که قانون از اول تیر ماه نود و چهار اجرا شود.

در مقام مقایسه قانون جدید بی‌گمان و بدون شک نسبت به قانون قبل از خود بهتر بوده و مزایای بی‌شماری دارد. از پذیرش اصول حاکم بر دادرسی منصفانه تا حذف موارد بازداشت موقت اجباری و نیز لزوم جبران خسارت افراد بازداشت شده بی‌گناه. هرچند که این قانون به خصوص با اصلاحات انجام شده در سال ۱۹۴۱ ایراداتی نیز دارد، مثل حق ممانعت از حضور وکیل در مرحله تحقیقات جرایم امنیتی یا اجازه حضور در تحقیقات این جرایم فقط برای گروهی خاص از وکلا که اسامی آنان از طرف رییس قوه قضاییه اعلام می‌شود اما در مجموع باید رای به برتری قانون جدید داد.

موضوع کتاب حاضر بررسی قانون جدید است و همان‌گونه که از اسم کتاب نیز پیداست در تالیف کتاب حاضر سعی شده تا فقط به مطالب اصلی و اساسی اشاره شده و از آوردن توضیحات اضافی مثل سابقه و تاریخچه و نظریات مشورتی و آراء (جز در موارد لزوم) خودداری شود تا دانشجویان با سهولت بیشتری بتوانند از کتاب حاضر استفاده کنند.

درنهایت با توجه به اینکه قانون تازه تصویب است در خصوص موارد ابهام، باید در انتظار رویه قضایی نشست تا مشخص شود که در عمل اوضاع چگونه خواهد بود.

بابک فرهی

شهریور ۱۴۰۲

Farrahib@yahoo.com

فهرست

بخش اول: کلیات آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر دادرسی منصفانه... ۱۱

فصل اول: کلیات... ۱۳

مبحث اول: تعریف آیین دادرسی کیفری... ۱۳

مبحث دوم: مراحل آیین دادرسی کیفری... ۱۴

مبحث سوم: رابطه آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی... ۱۶

مبحث چهارم: خصوصیات قوانین دادرسی کیفری... ۱۷

مبحث پنجم: نظام‌های دادرسی کیفری و تحولات آن‌ها... ۱۸

مبحث ششم: تحولات آیین دادرسی کیفری در ایران... ۳۱

مبحث هفتم: منابع آیین دادرسی کیفری... ۳۳

فصل دوم: اصول حاکم بر دادرسی منصفانه... ۳۵

بخش دوم: دعاوی ناشی از جرم... ۴۱

فصل اول: دعاوی عمومی... ۴۳

مبحث اول: جنبه‌های چندگانه جرم... ۴۳

مبحث دوم: قاعده قانونی بودن (الزامی بودن) تعقیب... ۴۴

مبحث سوم: قاعده مقتضی بودن (متناسب بودن یا موقعیت داشتن) تعقیب... ۴۵

مبحث چهارم: بایگانی کردن پرونده... ۵۱

مبحث پنجم: نهاد اقامه‌کننده دعوی عمومی... ۵۳

مبحث ششم: انواع دادرسی، تشکیلات و وظایف آنها... ۶۱

مبحث هفتم: جهات قانونی شروع به تعقیب... ۸۳

فصل دوم: موانع تعقیب و علل سقوط دعوی عمومی... ۱۱۷

مبحث اول: موانع تعقیب دعوی عمومی... ۱۱۷

مبحث دوم: علل سقوط دعوی عمومی... ۱۴۶

فصل سوم: دعاوی خصوصی... ۱۷۸

مبحث اول: مفهوم دعوی خصوصی... ۱۷۸

مبحث دوم: انواع ضرر و زیان مورد مطالبه... ۱۷۹

۱۸۲	مبحث سوم: شیوه‌های طرح دعوای خصوصی
۱۸۴	مبحث چهارم: شرایط طرح دعوای خصوصی
۱۹۳	بخش سوم: تحقیقات مقدماتی
۱۹۵	فصل اول: جمع‌آوری دلایل
۱۹۵	مبحث اول: معنا و مفهوم تحقیقات مقدماتی
۱۹۶	مبحث دوم: اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی
۱۹۷	مبحث سوم: ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی
۲۰۴	مبحث چهارم: مقامات انجام‌دهنده تحقیقات مقدماتی
۲۰۶	مبحث پنجم: تحقیق در جرایم منافی عفت
۲۰۸	مبحث ششم: تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان
۲۱۰	مبحث هفتم: تحقیقات مقدماتی در حوزه قضایی بخش
۲۱۲	مبحث هشتم: تحقیقات مقدماتی در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت
۲۱۳	مبحث نهم: جهات قانونی برای تحقیقات شروع بازپرس
۲۱۴	مبحث دهم: بازجویی از شاکی
۲۱۵	مبحث یازدهم: بازجویی از شهود و مطلعین
۲۱۹	مبحث دوازدهم: بازجویی از متهم
۲۳۴	مبحث سیزدهم: تفتیش و بازرسی اماکن و منازل
۲۴۳	مبحث چهاردهم: تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی
۲۴۵	مبحث پانزدهم: معاینه و تحقیق محلی
۲۴۷	مبحث شانزدهم: جلب نظر کارشناس
۲۴۹	مبحث هفدهم: نیابت قضایی
۲۵۳	فصل دوم: جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم
۲۵۳	مبحث اول: فلسفه صدور قرار تامین کیفری
۲۵۴	مبحث دوم: ضوابط حاکم بر انتخاب تامین
۲۵۵	مبحث سوم: انواع قرارهای تامین کیفری
۲۶۲	مبحث چهارم: تخفیف و تشدید تامین

.....	۲۶۵	مبحث پنجم: مدت اعتبار قرارهای تامین
.....	۲۶۸	مبحث ششم: ضمانت اجرای قرارهای تامین
.....	۲۷۵	مبحث هفتم: بازداشت موقت
.....	۲۹۰	مبحث هشتم: قرارهای نظارت قضایی
.....	۲۹۲	فصل سوم: اظهار نظر در خصوص توجه یا عدم توجه اتهام به متهم
.....	۲۹۳	مبحث اول: انواع قرارهای نهایی
.....	۲۹۹	مبحث دوم: قرارهای قابل اعتراض
.....	۳۰۱	مبحث سوم: حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان و چگونگی حل آن
.....	۳۰۳	مبحث چهارم: کیفرخواست
.....	۳۰۷	بخش چهارم: صلاحیت کیفری و مراجع رسیدگی
.....	۳۰۹	فصل اول: صلاحیت کیفری و انواع آن
.....	۳۰۹	مبحث اول: تعریف صلاحیت کیفری
.....	۳۱۰	مبحث دوم: انواع صلاحیت کیفری
.....	۳۱۶	مبحث سوم: استثنائات وارد بر قاعده صلاحیت محلی
.....	۳۲۸	مبحث چهارم: اختلاف در صلاحیت و چگونگی حل آن
.....	۳۳۱	فصل دوم: مراجع رسیدگی
.....	۳۳۱	مبحث اول: دادگاه‌های کیفری
.....	۳۳۱	مبحث دوم: دادگاه‌های عمومی
.....	۳۴۰	مبحث سوم: دادگاه‌های اختصاصی
.....	۳۵۶	مبحث چهارم: مراجع شبه قضایی
.....	۳۶۱	بخش پنجم: رسیدگی و صدور رای
.....	۳۶۳	فصل اول: اصول حاکم بر رسیدگی دادگاه
.....	۳۶۳	مبحث اول: اصل بی‌طرفی
.....	۳۶۳	مبحث دوم: رد دادرسان و قضات تحقیق
.....	۳۶۸	مبحث سوم: اصل علنی بودن
.....	۳۷۰	مبحث چهارم: اصل ترافعی بودن

فصل دوم: رسیدگی و صدور رای ۳۷۶

مبحث اول: مقررات مشترک حاکم بر رسیدگی‌های کیفری ۳۷۶

مبحث دوم: رسیدگی در دادگاه کیفری ۲، دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی و دادگاه بخش ۳۷۹

مبحث سوم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب با تعدد قاضی ۳۸۳

مبحث چهارم: ترتیبات رسیدگی و صدور رای در دادگاه اطفال و نوجوانان ۳۸۷

بخش ششم: راه‌های شکایت از احکام ۳۸۹

فصل اول: راه‌های عادی شکایت از احکام ۳۹۱

مبحث اول: واخواهی ۳۹۱

مبحث دوم: تجدید نظر خواهی ۳۹۴

مبحث سوم: مراجع تجدیدنظر ۳۹۶

مبحث چهارم: اصحاب دعوا و مهلت تجدید نظر ۴۰۰

مبحث پنجم: اسقاط حق تجدیدنظر خواهی ۴۰۲

مبحث ششم: استرداد تقاضای تجدیدنظر ۴۰۳

مبحث هفتم: جهات تجدید نظر ۴۰۴

مبحث هشتم: آثار تجدیدنظر خواهی ۴۰۵

مبحث نهم: آیین دادرسی تجدیدنظر و صدور رای ۴۰۵

مبحث دهم: فرجام خواهی ۴۱۴

مبحث یازدهم: رای وحدت رویه ۴۱۹

فصل دوم: راه‌های فوق العاده شکایت از احکام ۴۱۹

مبحث اول: اعاده دادرسی از طریق دیوان عالی کشور (طریق معمول اعاده دادرسی) ۴۲۰

مبحث دوم: اعاده دادرسی از طریق رییس قوه قضاییه ۴۲۶

بخش هفتم: اجرای احکام کیفری و هزینه دادرسی ۴۲۹

فصل اول: اجرای احکام کیفری ۴۳۱

مبحث اول: احکام لازم الاجرا ۴۳۱

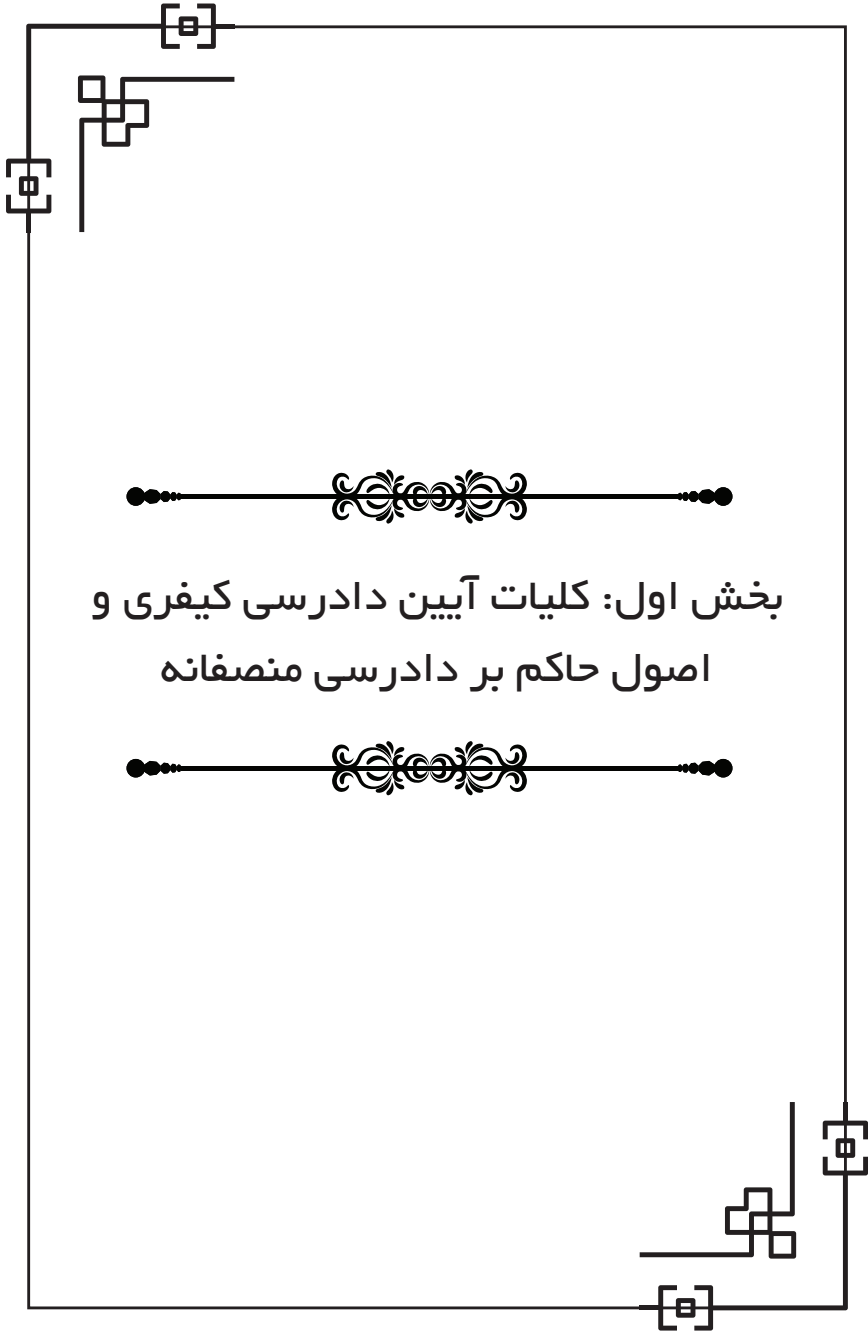
مبحث دوم: مراجع مجری حکم ۴۳۲

مبحث سوم: چگونگی اجرای احکام کیفری ۴۳۴

۴۳۷	مبحث چهارم: اجرای مجازات حبس
۴۳۸	مبحث پنجم: اجرای محکومیت‌های مالی
۴۴۰	مبحث ششم: اجرای سایر احکام کیفری
		مبحث هفتم: اجرای قرارهای تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام
۴۴۱	نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی
۴۴۲	فصل دوم: هزینه دادرسی
۴۴۳	فهرست منابع و مآخذ
۴۴۷	فهرست تفصیلی

نشانه‌های اختصاری به کار گرفته شده در کتاب حاضر

ق. آ. د. ک قانون آیین دادرسی کیفری
ق. م. ا قانون مجازات اسلامی
ق. ا. م. ج قانون اصول محاکمات جزایی
ق. آ. د. د. ع. و. ا. د. ا. ک قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری
ق. آ. د. م قانون آیین دادرسی مدنی
ق. ا قانون اساسی
ق. ا. ت. ع قانون اصول تشکلات عدلیه
ق. ت. د. ع. و. ا قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
ق. م. ج. ن. م قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
ق. د. ن. م قانون دادرسی نیروهای مسلح
ن. ک نگاه کنید به
ر. ک رجوع کنید به
ج. جلد
چ. چاپ
ش. شماره
ص. صفحه
ع. علیه السلام



بخش اول: کلیات آیین دادرسی کیفری و
اصول حاکم بر دادرسی منصفانه

فصل اول: کلیات

مبحث اول: تعریف آیین دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری تا کنون تعاریف گوناگونی را به خود دیده است. نخستین تعریف در قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ بیان شده بود.

تعریف دوم در ماده ۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ بیان گردیده بود و سرانجام ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز آیین دادرسی کیفری را تعریف کرده است. در این بین، حقوقدانان نیز به بیان معایب تعاریف قانونی پرداخته و هریک به نوبه خود تعاریفی را از آیین دادرسی کیفری ارائه کرده بودند.^۲

۱- تعریف قانون اصول محاکمات جزایی

ماده ۱ ق.ا.م.ج در تعریف آیین دادرسی کیفری (اصول محاکمات جزایی) مقرر می‌داشت که «اصول محاکمات جزایی عبارت است از ترتیبات و قواعدی که وضع شده برای کشف و تحقیق جرایم و تعیین میزان مسؤولیت مجرمین بر حسب مقررات قانونیه».

این تعریف قدیمی علاوه بر ناقص بودن از این جهت که به کشف و تحقیق جرایم اشاره کرده بود- در حالی که همان‌گونه که می‌دانیم دادرسی کیفری فقط منحصر به کشف و تحقیق جرایم نیست و شامل تعقیب و دادرسی و اجرای حکم نیز هست- این ایراد مهم را نیز داشت که تعیین میزان مسؤولیت مجرمین را از وظایف آیین دادرسی کیفری دانسته بود، در حالی که این امر وظیفه قانون مجازات است نه وظیفه قانون آیین دادرسی کیفری.

۲- تعریف قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری

ماده ۱ ق.ا.د.د.ع.و.ا.د.ا.ک مصوب ۱۳۷۸ در تعریف آیین دادرسی کیفری مقرر داشته بود: «آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرایم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رای و تجدیدنظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است.» بر این تعریف ایرادات متعددی وارد می‌شد که از آن جمله می‌توان استفاده از واژه «مجرمان» به جای «متهمان»، عدم اشاره به ضابطان دادگستری و وظایف آنان، اشاره نکردن به حقوق و تکالیف اصحاب دعوی (شاکی و متهم) و اشاره نکردن به قواعد مربوط به صلاحیت مراجع قضایی اشاره کرد.

۳- تعریف قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

ماده ۱ ق.ا.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در تعریف آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی،

۱- بخش اول قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ و بخش دوم آن مصوب ۱۲۹۱/۵/۳۰ است.

۲- برای دیدن تعاریف حقوقدانان ن. ک به آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج اول، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱۲، ۱۳۸۵، ص ۲۶، آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج اول، انتشارات سمت، ج ۱۵، ۱۳۸۸، ص ۱۲، خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، ج ۲۱، ص ۱۱، جوانمرد، بهروز، آیین دادرسی کیفری، ج اول، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۳، ج دوم، ص ۲۲.

میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رای، طرق اعتراض بر آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می‌شود».

این تعریف سعی در برطرف کردن ایرادات تعریف ماده ۱ قانون سال ۱۳۷۸ داشته است، و تا حدود بسیار زیادی نیز در آن موفق بوده است؛ برای مثال به درستی به جای واژه مجرمان از واژه متهمان استفاده شده است یا به وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری در این تعریف اشاره شده است. البته این تعریف نیز همانند ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸، اشاره‌ای به صلاحیت مراجع قضایی نکرده است.

با این وجود، اشاره به مواردی مثل میانجیگری و صلح میان طرفین که جزء موضوعات جدید آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شوند همچنین اشاره به رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه از نکات مثبت این تعریف است که در قوانین سابق مورد توجه قرار نگرفته بود.

مبحث دوم: مراحل آیین دادرسی کیفری

در مورد تعداد مراحل آیین دادرسی کیفری اکثریت حقوقدانان معتقد به پنج مرحله‌ای بودن هستند. ما نیز به پیروی از نظر اکثریت، مراحل آیین دادرسی کیفری را به شرح زیر بررسی می‌کنیم.

۴- مراحل آیین دادرسی کیفری

در آیین دادرسی کیفری از زمان وقوع جرم و کشف آن تا زمان اجرای مجازات، پنج مرحله متصور است:

۱- کشف جرم

۲- تعقیب

۳- تحقیقات مقدماتی

۴- رسیدگی و صدور حکم

۵- اجرای احکام

که به طور مختصر به بررسی هر یک از این مراحل می‌پردازیم.

۵- کشف جرم

منظور از کشف جرم، آگاهی یافتن از وقوع یک جرم است. دستگاه قضایی از راه‌های مختلفی از وقوع جرم آگاه می‌شود که عمده‌ترین آنها، شکایت شاکی خصوصی است. همچنین گزارش ضابطین یا شهروندان و نیز اقرار خود مرتکب از دیگر راه‌های کشف جرم به شمار می‌رود. ماده ۲۲ ق. آ. د. ک کشف جرم را از وظایف دادسرا دانسته است. همچنین ماده ۲۷ همین قانون نیز یکی از وظایف ضابطان دادگستری را کشف جرم، تحت نظارت و تعلیمات دادستان دانسته است.

اضافه می‌شود که بند ۸ ماده چهار قانون نیروی انتظامی نیز یکی از وظایف این نیرو را کشف جرم دانسته است.

مطابق این بند: مأموریت و وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

.....

- ۸- انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:
- الف- مبارزه با مواد مخدر.
 - ب- مبارزه با قاچاق.
 - ج- مبارزه با منکرات و فساد.
 - د- پیشگیری از وقوع جرم.
 - ه- کشف جرایم.
 - و- بازرسی و تحقیق.
 - ز- حفظ آثار و دلایل جرم.
 - ح- دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها.
 - ط- اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

۶- تعقیب

این وظیفه نیز طبق ماده ۲۲ ق. آ. د. ک به عهده دادرسی باشد و دادستان به عنوان رییس دادرسی دستور تعقیب را صادر می‌نماید. اضافه می‌شود که طبق ماده ۲۴ ق. آ. د. ک در حوزه قضایی بخش، که دادرسی تشکیل نمی‌شود، وظایف دادستان بر عهده رییس حوزه قضایی بخش و در غیاب وی بر عهده دادرسی علی‌البدل است. پس در حوزه قضایی بخش، تعقیب، وظیفه رییس حوزه قضایی و در غیاب وی، وظیفه دادرسی علی‌البدل است.

۷- تحقیقات مقدماتی

ماده ۲۲ ق. آ. د. ک تحقیقات مقدماتی را نیز وظیفه دادرسی دانسته است. بلافاصله اضافه می‌شود در برخی موارد استثنایی مثل جرایم منافی عفت (مواد ۱۰۲ و ۳۰۶ ق. آ. د. ک)، جرایم اطفال (تبصره ۱ ماده ۲۸۵ ق. آ. د. ک) و جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ (ماده ۳۴۰ ق. آ. د. ک)، دادرسی مجاز به انجام تحقیقات نیست و تحقیقات منحصرأ باید توسط قاضی دادگاه انجام شود.

در نظام دادرسی فعلی ایران، انجام تحقیقات مقدماتی اصولاً بر عهده بازپرس و در برخی موارد با دادستان و دادیاران تحقیق است. ماده ۹۲ ق. آ. د. ک تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم را بر عهده بازپرس دانسته است و همین ماده در غیر جرایم موضوع ماده ۳۰۲ ق. آ. د. ک، در صورت کمبود بازپرس، دادستان را دارای تمام وظایف و اختیارات بازپرس دانسته است. یعنی در غیر جرایم موضوع ماده ۳۰۲ ق. آ. د. ک و در کمبود بازپرس، انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دادستان است که دادستان این وظیفه را از طریق دادیاران تحقیق انجام می‌دهد.

در حوزه قضایی بخش نیز در مورد جرایمی که در ماده ۳۰۲ ق. آ. د. ک به آنها اشاره شده انجام تحقیقات با رییس دادگاه بخش است و در سایر جرایم (یعنی جرایمی که مشمول ماده ۳۰۲ نیست) انجام کلیه اقدامات، اعم از تحقیق، رسیدگی و صدور رای با رییس یا دادرسی علی‌البدل دادگاه بخش است.

در هر حال در مرحله تحقیقات مقدماتی سه‌گونه اقدام صورت می‌گیرد:

الف. جمع‌آوری دلایل به سود یا زیان متهم،

ب. جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم، که این عمل با صدور یکی از قرارهای تامین و نظارت قضایی انجام می‌شود،

پ. اظهار نظر در خصوص این که عمل ارتكابی متهم جرم هست یا خیر و در صورت جرم بودن، دلایل کافی جهت انتساب اتهام به وی وجود دارد یا خیر؟ که این عمل با صدور قرارهای نهایی (منع تعقیب، موقوفی تعقیب و جلب به دادرسی) انجام می‌شود و با صدور این قرارها، این مرحله به پایان می‌رسد.

۸- دادرسی

در این مرحله در خصوص بزهکاری یا بی‌گناهی متهم اتخاذ تصمیم شده و در صورت بزهکار بودن برای وی مجازات تعیین می‌شود.

این مرحله منحصراً وظیفه دادرسان (قضات) دادگاه‌ها است که جز در موارد استثنایی به موجب کیفرخواستی که از سوی دادسرا صادر می‌شود، مبادرت به رسیدگی و صدور رای می‌نمایند.

۹- اجرای احکام

اجرای احکام کیفری نیز از وظایف دادسرا است. ماده ۲۲ ق. آ. د. ک اجرای احکام کیفری را نیز از وظایف دادسرا دانسته است.

همچنین ماده ۴۸۴ ق. آ. د. ک در این مورد مقرر داشته است:

اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و معاونت اجرای احکام کیفری تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رییس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد، در دادسرا عهده‌دار این وظیفه است.

اضافه می‌شود که طبق تبصره ۳ ماده ۴۸۴ ق. آ. د. ک در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری بر عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل است.

مبحث سوم: رابطه آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی

مقررات قانون آیین دادرسی مدنی ناظر به کیفیت اجرای قوانین مدنی است و موضوعاتی که در آیین دادرسی مدنی مطرح است بیشتر جنبه‌ی مالی دارد در حالی که در آیین دادرسی کیفری موضوعات به آزادی، حیثیت و جان اشخاص مربوط می‌شود. حال آیا می‌توان در مقررات آیین دادرسی کیفری از قواعد آیین دادرسی مدنی استفاده کرد؟ در دو صورت پاسخ مثبت است:

نخست: قانونگذار تصریح کرده باشد

دوم: ق. آ. د. ک در خصوص آن موضوع ساکت باشد.

۱۰- تصریح قانون آیین دادرسی کیفری

در برخی موارد، ق. آ. د. ک صراحتاً رجوع به مقررات آیین دادرسی مدنی را تصریح کرده است که در این قبیل موارد رجوع به مقررات دادرسی مدنی در دادرسی کیفری نه تنها جایز بلکه واجب است. مثلاً ماده ۱۵ ق. آ. د. ک مقرر می‌دارد که مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است یا ماده ۱۱۱ همین قانون

رسیدگی به اعتراض شخص ثالث نسبت به اموالی را که بازپرس با صدور قرار تامین خواسته توقیف می‌کند، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی دانسته است.

به همین ترتیب قانون مزبور در مواد ۱۷۷ (در خصوص ترتیبات و قواعد ابلاغ احضاریه و دیگر اوراق قضایی) و ۳۱۷ (در مورد حل اختلاف در صلاحیت) نیز رجوع به مقررات آیین دادرسی مدنی را تجویز کرده است.

۱۱- سکوت قانون آیین دادرسی کیفری

در برخی موارد قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص برخی موضوعات، حکمی ندارد و ساکت است. در این موارد هرگاه مقررات دادرسی مدنی برخلاف مقررات دادرسی کیفری نباشد، رجوع به آنها جایز است. مثلاً در ماده ۴۴۰ ق. آ. د. ک آمده است که هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر ناقص باشد و متقاضی تجدیدنظر پس از ابلاغ اخطار رفع نقص در مهلت مقرر (۱۰ روز) نقایص را برطرف نکند یا اگر درخواست یا دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت قانونی تقدیم شده باشد، مدیر دفتر دادگاه پرونده را به نظر رییس دادگاه می‌رساند تا قرار مقتضی را صادر کند. این ماده مشخص نمی‌کند که منظور از قرار مقتضی چه قرار است در حالی که در تبصره ۲ ماده ۳۳۹ ق. آ. د. م در این موارد صراحتاً به قرار رد درخواست تجدید نظر اشاره شده است و لذا در این موارد قاضی کیفری می‌تواند با رجوع به قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد درخواست تجدید نظر را صادر کند.

مبحث چهارم: خصوصیات قوانین دادرسی کیفری

در تقسیم بندی قوانین به شکلی و ماهوی، آیین دادرسی کیفری جزء قوانین شکلی قرار می‌گیرد لذا دو ویژگی معمول قوانین شکلی را نیز داراست:

الف. عطف بما سبق شدن (اجرای فوری)

ب. تفسیر موسع

۱۲- عطف بما سبق شدن (اجرای فوری)

منظور از عطف بما سبق نشدن یک قانون آن است که قانون، به گذشته تسری پیدا نمی‌کند، یعنی اثر هر قانونی اصولاً نسبت به زمان بعد از وضع آن است و مقررات قانون جدید را نمی‌توان به اعمال و اتفاقاتی که قبل از تصویب آن محقق شده، تسری داد، مثلاً اگر عملی در گذشته جرم نبوده و قانون جدید، آن را جرم شناخته، نمی‌توان شخصی را که قبل از تصویب قانون جدید، مرتکب آن رفتار شده مجرم شناخت و مجازات کرد. ماده ۴ قانون مدنی در این مورد به صراحت مقرر می‌دارد که: اثر قانون، نسبت به آتی است. همچنین اصل ۱۶۹ قانون اساسی و ماده ۱۰ ق. م. ا نیز صراحتاً بر عطف بما سبق نشدن قوانین تاکید کرده‌اند. بلافاصله باید افزود که در قوانین شکلی یعنی قوانین مربوط به صلاحیت و تشکیلات قضایی و آیین دادرسی، اوضاع دقیقاً برعکس است یعنی در قوانین شکلی، اصل بر عطف بما سبق شدن و اجرای فوری قانون است زیرا چنین فرض می‌شود که قانون جدید، حقوق و منافع افراد را بهتر حفظ می‌کند. به عبارت دیگر، قوانین شکلی به قبل از زمان تصویب خود نیز تسری پیدا می‌کنند و جرایمی که در زمان حکومت قانون قدیم واقع شده‌اند اما هنوز تعقیب آنها شروع نشده و یا تعقیب و رسیدگی شروع شده ولی منتهی به صدور حکم قطعی نشده،

از جهت تشریفات رسیدگی و صلاحیت مراجع قضایی، تابع قانون جدید می‌باشند. ماده ۱۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً این موضوع را پذیرفته و مقرر می‌دارد: قوانین زیر نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود:

الف. قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت

ب. قوانین مربوط به ادله اثبات دعوا تا پیش از اجرای حکم

پ. قوانین مربوط به شیوه دادرسی

ت. قوانین مربوط به مرور زمان.

یادآوری می‌شود که چنانچه قانون شکلی جدید، معارض حقوق مکتسب افراد باشد (مثل قانونی که مهلت تجدید نظر را کاهش یا هزینه دادرسی را افزایش دهد)، عطف بما سبق نمی‌شود.

۱۳- تفسیر موسع

تفسیر در لغت از ماده «فَسَّرَ» گرفته شده است و به معنای آشکار کردن و ظاهر کردن است و منظور از تفسیر قانون روشن ساختن معنای عبارات قانون است در مواردی که قانون، مبهم، مجمل و یا ساکت است.

تفسیر انواع گوناگونی دارد که از آن جمله تفسیر بر اساس مرجع تفسیرکننده آن است. بر این مبنا تفسیر به سه دسته قانونی، قضایی و شخصی تقسیم می‌شود.

تفسیر قانونی آن است که خود قانونگذار قانون را تفسیر کند. در ایران تفسیر قوانین عادی با مجلس شورای اسلامی (اصل ۷۳ قانون اساسی) و تفسیر قانون اساسی با شورای نگهبان (اصل ۹۸ قانون اساسی) است.

تفسیر قضایی نیز تفسیری است که دادرسان (قضات) از قانون انجام می‌دهند. قسمت اخیر اصل ۷۳ قانون اساسی به دادرسان اجازه تفسیر قانون را در مقام تمیز حق داده است. حال این تفسیر قضایی^۱ خود انواعی دارد که تفسیر منطقی یا توضیحی، تفسیر مضیق یا محدود، تفسیر به نفع متهم و تفسیر موسع از انواع تفسیر قضایی هستند. در حقوق جزای ماهوی گفته می‌شود که تفسیر باید مضیق یعنی فقط در محدوده کلمات و عبارات قانون باشد و تفسیر موسع جایز نیست مگر به نفع متهم باشد. در آیین دادرسی کیفری برخلاف حقوق جزا، تفسیر موسع جایز است یعنی قاضی می‌تواند با توجه به حقایق و اوضاع و احوال خارجی قانون را تفسیر کند و لازم نیست که خود را مقید به معنای لغوی و ادبی کلمات قانون بنماید.

مبحث پنجم: نظام‌های دادرسی کیفری و تحولات آن‌ها

در قوانین آیین دادرسی کشورهای مختلف، ماده‌ای در خصوص نظام‌های دادرسی کیفری وجود ندارد لذا مبنای مطالعه در این مورد تاریخ تحولات کیفری است. با مطالعه تاریخ تحولات کیفری مشخص می‌شود که از زمانهای نخستین تا کنون سه نظام یا سیستم دادرسی وجود دارد:

۱- نظام اتهامی، ۲- نظام تفتیشی و ۳- نظام مختلط یا فرانسوی.

۱- برخی این تقسیم بندی را مخصوص تفسیر از نظر دکترین و نه تفسیر قضایی می‌دانند برای مثال ن. ک به گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، ج ۲۳، ۱۳۹۶، ص ۹۷.

۱۴- نظام دادرسی اتهامی

این نظام نخستین و قدیمی‌ترین نظام دادرسی کیفری است و در یونان و روم قدیم، سومر، بابل، ایران باستان و فرانسه بعد از هجوم وحشیان مجری بوده است. در حال حاضر نیز در انگلستان، آمریکا (به جز ایالت لویزیانا)، کانادا (به جز ایالت کبک)، استرالیا و بسیاری از مستعمرات سابق انگلستان اجرا می‌شود. همچنین در سالهای آخر قرن بیستم، برخی از کشورهای دیگر مثل ایتالیا نیز در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری خود نظام اتهامی را سرمشق قرار داده‌اند. ناگفته پیداست که نظام اتهامی که امروزه در این کشورها اجرا می‌شود، تغییرات عمده‌ای با نظام اتهامی نخستین دارد. برای مثال در نظام دادرسی اتهامی اولیه مقام تعقیب عمومی معادل دادستان وجود نداشت در حالی که در نظام اتهامی که در حال حاضر در آمریکا و انگلستان و سایر کشورهای ذکر شده، اجرا می‌شود، دادستان نقش مهمی در دادرسی کیفری دارد و اساساً این دادستان است که در مقابل متهم و وکیل او قرار می‌گیرد و بزه‌دیده و وکیل او در دادرسی کیفری نقشی ندارند.

همانگونه که از اسم نظام اتهامی پیداست، در این نظام، شروع به تعقیب و دادرسی کیفری به شاکی (متهم کننده) بستگی دارد زیرا دستگاهی معادل دادستانی وجود ندارد و به علت عدم تفکیک بین دعوای عمومی و خصوصی در دوران گذشته، تعقیب و مجازات بزهکار بر پایه انتقام جویی و قصاص زیان دیده از جرم قرار دارد و عقیده عمومی بر این است که با کیفر دادن بزهکار دردهای مجنی علیه یا کسان او تسکین می‌یابد.

۱۵- ویژگی‌های نظام اتهامی

ویژگی‌های اصلی نظام اتهامی به شرح زیر است:

الف. ضرورت طرح شکایت از سوی شاکی

یعنی دستگاه قضایی اداره و سازمانی را برای تعقیب مجرمین پیش‌بینی نکرده است و شاکی مستقیماً به قاضی صادرکننده حکم مراجعه و طرح دعوا یا شکایت کرده و دلایل را نزد او اقامه می‌کند. تشکیلات واسطه‌ای مثل دادسرا و مقامات دادرسی از قبیل دادیار و بازپرس برای تحقیقات مقدماتی وجود ندارد بلکه بعد از اقامه دعوا از طرف مدعی (شاکی) انجام تحقیقات بر عهده قاضی است. به عبارت دیگر در این نظام مرحله‌ای معادل تحقیقات مقدماتی (تحقیقات پیش از دادگاه) وجود ندارد.

در این نظام برای جلوگیری از طرح شکایتهای ناروا شاکی را سوگند می‌دادند که از دعوای خود تا پایان محاکمه صرف نظر نکند وگرنه به مجازات اتهامی که به دیگری وارد آورده یا حسب مورد به مجازات دیگر محکوم می‌شود. مثلاً در منشور حمورابی آمده است که اگر کسی دیگری را به جادوگری متهم کند، متهم در آب رودخانه غوطه‌ور می‌شود و اگر غرق شد، متهم‌کننده اموال او را تصاحب می‌کند ولی اگر غرق نشد، متهم‌کننده کشته می‌شود و متهم اموال او را تصاحب می‌کند^۱ و این به این معناست که در نظام اتهامی همیشه این خطر وجود دارد که در صورت معافیت متهم، شاکی در معرض مجازات مورد ادعا قرار بگیرد. از دیگر سو تحمل بارقضایی و مالی دعوا بر عهده تعقیب‌کننده است.

ب. شفاهی بودن رسیدگی

در نظام اتهامی پرونده کتبی وجود ندارد و اظهارات طرفین دعوا نیز نوشته نمی‌شود. شاکی خصوصی به طور شفاهی اعلام شکایت می‌کند و متهم نیز به همان صورت دفاع می‌کند. البته این امر به این معنا نیست که هیچ مطلبی مکتوب نشود.

پ. علنی بودن محاکمه

منظور آن است که همه افراد می‌توانند در جلسه دادگاه حاضر شوند و صحنه قضاوت را از نزدیک تماشا کنند. مثلاً در روم قدیم محاکمات در بازار عمومی شهر صورت می‌گرفت و به اطلاع عموم می‌رسید و همه مردم حق داشتند تا در محاکمه حاضر شده و آن را از نزدیک ببینند.

ت. ترافیعی (تدافعی) بودن رسیدگی

منظور از ترافیعی بودن آن است که طرفین دعوای کیفری همانند خوانده و خواهان دعوای حقوقی در یک محل قرار می‌گیرند و مرافعه می‌کنند. هم شاکی و هم متهم آزادی کامل در اقامه دعوا و دفاع دارند. در همان جلسه اول متهم از دلایلی که علیه او ارائه گردیده، مطلع می‌شود و می‌تواند از همان ابتدا وکیل خود را معرفی نماید. این ویژگی در حال حاضر نیز از بارزترین مشخصات نظام دادرسی اتهامی محسوب می‌شود بدین صورت که دادستان و وکیل متهم هرکدام تحقیقات خود را انجام می‌دهند ولی تا اولین جلسه دادرسی مکلفند نتایج تحقیقات را در اختیار طرف مقابل بگذارند و اگر شهودی دارند باید تا همان جلسه اول هریک از طرفین (دادستان یا وکیل متهم) اسامی و مشخصات شهود خود را در اختیار طرف مقابل قرار دهند.

ث. فقدان قاضی حرفه‌ای

شخصی که به موضوع اتهام رسیدگی می‌کند یک قاضی حرفه‌ای نیست و اطلاعات قضایی ویژه‌ای در امر دادرسی کیفری ندارد. در حقیقت متهم به وسیله افراد عادی که هم طبقه‌ی خود هستند مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گیرد.

ج. حکم (داور) بودن قضات

در نظام اتهامی قضات همانند داوران بی‌طرف صحنه مرافعه را تماشا می‌کنند و پس از استماع سخنان طرفین، دلایل آنان را بررسی کرده و آن گاه مبادرت به انشای رای می‌نمایند که رای صادره قطعی است، یعنی در نظام اتهامی مرحله‌ای معادل تجدیدنظر وجود ندارد.

چ. رعایت نسبی تساوی بین اصحاب دعوا

یعنی حقوق شاکی و متهم در جریان فرآیند دادرسی، (تقریباً) یکسان و مساوی است.

۱۶- ادله اثبات دعوا در نظام اتهامی

اقرار، شهادت، قسامه (سوگند خوردن)، اوردالی (داوری ایزدی)^۱ و دوئل^۲ یا جنگ تن به تن، دلایل اثبات دعوا در نظام اتهامی به شمار می‌آیند.

1- ordeal

2- duel

۱۷- اقرار

نخستین و مهمترین دلیل اثبات دعوا در نظام اتهامی اقرار است. در شروع محاکمه و پس از آن که شاکی، شکایت خود را بیان کرد، قاضی از متهم سوال می‌کند که آیا اتهام وارده را قبول دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت باشد همین اقرار برای صدور حکم کافی است و دادرسی ادامه نمی‌یابد.

۱۸- شهادت شهود

شهادت شهود یکی دیگر از ادله اثبات دعوا در نظام اتهامی به شمار می‌رود که در واقع جستجوی حقیقت از این مرحله شروع می‌شود.

۱۹- قسامه

به این معنا که با توجه به نوع اتهام خود متهم و اطرافینش می‌توانند سوگند یاد کنند تا اتهام زائل شود. اقوام فرانک، ساکن کشور گل (فرانسه امروزی) معتقد بودند اگر کسی واقعا گناهکار باشد، خدایان نخواهند گذاشت تا به راحتی سوگند بخورد، بدین سان اگر کسی به دلایلی مثل لکننت زبان در موقع سوگند خوردن دچار مشکل می‌شد، حکم به محکومیت وی داده می‌شد. تعداد سوگندها نیز بر حسب نوع اتهام، متفاوت بود، یعنی هر چقدر اتهام سنگین‌تر بود، تعداد سوگندها هم بیشتر بود.

۲۰- اوردالی

در روش دادرسی اتهامی، اگر حقیقت با سایر دلایل، روشن و مشخص نمی‌گردید به شیوه‌ای به نام اوردالی یا داوری ایزدی متوسل می‌شدند. به بیان دیگر، نپذیرفتن فرض برائت در این سیستم منجر به توسل به آزمایش الهی (نظیر آن چه در شاهنامه فردوسی در داستان سیاوش بیان شده است) می‌شود.

اوردالی انواع مختلفی داشته است مثل اوردالی آتش^۱، که در آن متهم باید مسافتی حدود سه متر (معادل نه فوت) را روی گاوآهن داغ طی می‌کرد یا آهن گداخته را در دست می‌گرفت (این شیوه در ایران نیز رایج بوده و به آن «ورگرم» می‌گفتند) و اگر آسیب نمی‌دید بی‌گناه شناخته می‌شد و اگر زخمی می‌شد (که معمولاً هم این اتفاق می‌افتاد) زخمهای وی را می‌بستند و کشیش پس از سه روز آنها را بررسی می‌کرد و اگر بهبود یافته بودند، آن را دلیل بر بی‌گناهی متهم می‌دانستند. مثلاً در تاریخ آمده است که همسر هاینریش دوم، امپراتور روم که به زنا متهم شده بود، برای اثبات بی‌گناهی خود روی گاوآهن گداخته گام گذاشته است.

از دیگر انواع اوردالی، اوردالی آب جوش^۲ بوده است که در این نوع از اوردالی متهم باید دست خود را در یک کتری آب جوش فرو می‌برده و تکه سنگی را از داخل آن خارج می‌کرده است. بعدها اتلستن پادشاه انگلستان (متولد حدود ۸۹۵، درگذشته ۲۷ اکتبر ۹۳۹ میلادی)، برای این نوع از اوردالی مقرراتی وضع نمود، مانند آنکه دمای آب باید تا حد جوش باشد و دست هم تا مچ در آب فرو رود.

1- ordeal of fire

2- ordeal of boiling water

مراسم اوردالی باید در کلیسا و بعد از نیایش به درگاه خداوند برای کمک به یافتن حقیقت انجام می‌شد. البته اگر تعداد اتهامات به جای یک مورد، سه اتهام می‌بود، دست باید به جای میج تا آرنج در آب جوش فرو می‌رفت. از دیگر انواع اوردالی، اوردالی آب سرد^۱ بود که در مورد اتهام جادوگری به کار می‌رفت و در آن متهم در آب رودخانه غوطه‌ور می‌شد و اگر غرق نمی‌شد، تبرئه می‌شد. در نوع دیگری از همین اوردالی، سنگ آسیابی هم به گردن متهم آویخته می‌شد.

به همین ترتیب، نوع دیگری از اوردالی به نام اوردالی صلیب^۲ وجود داشت بدین صورت که شاکی و متهم در مقابل یکدیگر قرار گرفته و دستهای خود را به شکل صلیب باز می‌کردند و هرکس که زودتر خسته می‌شد و دستهای خود را پایین می‌آورد، بازنده‌ی دعوا بود.

یکی دیگر از انواع اوردالی که شاید در ابتدا خنده‌دار به نظر برسد، اوردالی نان و پنیر یا اوردالی بلعیدن^۳ بوده است. در این نوع اوردالی متهم شروع به خوردن نان خشک و پنیری که قبلاً توسط کشیش متبرک شده بود، می‌کرد و اگر پس از پایان این عمل، بازهم موفق به خوردن می‌شد، از اتهام انتسابی تبرئه می‌شد و اگر قادر به خوردن چیز دیگری نبود، گناهکار شناخته می‌شد.

از دیگر اقسام اوردالی که در ایران باستان هم وجود داشته و از اقسام «ورسرد» محسوب می‌شده، نوشیدن زهر(سم) بوده است. در ایران باستان در این نوع از ور (اوردالی) جامی لبریز از آمیزه باده و آب که با زهر و گوگرد یا زهر و روغن و شیرهی گیاه آمیخته شده بود، به داوطلب داده می‌شد تا آن را بنوشد و اگر آسیبی نمی‌دید، بی‌گناه شناخته می‌شد.^۴ این شیوه اثبات دعوا که امروزه غیرعقلانه و حتی خنده‌دار به نظر می‌رسد، بر این تفکر نادرست استوار بود که اگر کسی واقعاً بی‌گناه باشد، خدایان به یاری او شتافته و باعث تبرئه آن شخص می‌شوند.

۲۱- دوئل یا پیکار قضایی^۵

دوئل یا پیکار قضایی دلیل دیگری است که در نظام اتهامی جانشین اوردالی می‌شود. در سال ۱۲۱۵ میلادی، پاپ اینوسان سوم (که از سال ۱۱۹۸ تا ۱۲۱۶ میلادی بر مسند پاپی نشسته بود)، اوردالی را ممنوع اعلام کرد و پس از این ممنوعیت، دوئل، جانشین اوردالی گردید. البته نباید تصور کرد که دوئل قبل از آن وجود نداشته است. قدیمی‌ترین مورد دوئل ثبت شده در تاریخ انگلستان مربوط به سال ۱۰۷۷ میلادی، یعنی یازده سال پس از تصرف انگلستان به دست ویلیام اول پادشاه نورماندی است؛ ولی خود دوئل در فرهنگ رومی یا اقوام ساکسون ساکن انگلستان شناخته شده نبود و از نتایج تصرف انگلستان توسط نورمانها محسوب می‌شود و اصل آن مربوط به سنن ژرمنی است.

در این نوع از دلیل اثبات، طرفین با هم مبارزه می‌کردند و شخص پیروز، محق تلقی می‌شد. البته این دلیل همیشه در دسترس طرفین نبوده است، اگر دلایل موجود علیه متهم بسیار قوی بود یا موضوع اتهام، قتل بود و یا متهم سعی کرده

1- ordeal of cold water

2- ordeal of the cross

3- ordeal of ingestion

۴- در ایران باستان، ورها محدود به این موارد نبوده و تا سی و سه مورد بر برشمرده شده است. (رضی، هاشم، متون شرقی و سنتی زرتشتی، ج یکم،

چ یکم، نشر بهجت، ۱۳۸۴)

5- duel/trial by combat/wager of battle/trial by battel

بود که از زندان فرار کند، حق استفاده از دوئل را نداشت. به همین ترتیب اگر شاکی زن یا فرد بالای ۶۰ سال یا فرد کم سن و سال یا کور یا فلج بود، می‌توانست از پذیرش مبارزه خودداری کند. آخرین مورد ثبت شده دوئل در انگلستان نیز مربوط به سال ۱۴۴۶ میلادی است.

در فرانسه نیز آخرین مورد رسمی ثبت شده دوئل مربوط به سال ۱۳۸۶ میلادی و زمان حکومت شارل ششم (دوران پادشاهی ۱۳۸۰ تا ۱۴۲۲ میلادی) است که پس از اعلام پارلمان مبنی بر این که موضوع از طریق رسیدگی قضایی عادی، قابل حل نیست و باید دوئل انجام شود، شاه دستور برگزاری دوئل را صادر نمود. در بدو پیدایش، مبارزه (دوئل) فقط بین شاکی و متهم انجام می‌شد ولی با گذشت زمان، طرفین دعوا می‌توانستند شهود و بعدها قضات را نیز به دوئل دعوت کنند. در هر حال دوئل علی‌رغم ممنوعیت قانونی و اعمال مجازاتهای سنگین، تا پیروزی انقلاب فرانسه به حیات خود به عنوان یک دلیل اثبات دعوا ادامه داد.

۲۲- شیوه رسیدگی در نظام اتهامی

شروع رسیدگی در نظام اتهامی با دعوت از متهم برای حضور در محضر قضات شروع می‌شد، به این ترتیب که شاکی در حضور شهود از متهم دعوت می‌کرد تا برای رسیدگی نزد قضات حاضر شود و متهم مدتی (معمولاً یک هفته) وقت داشت تا برای رسیدگی حاضر شود. رسیدگی معمولاً در یک روز تعطیل و در یک مکان عمومی مثل بازار انجام می‌گرفت. پس از شروع محاکمه ابتدا شاکی یا وکیل او طرح شکایت می‌کردند، سپس از متهم سوال می‌شد که آیا اتهام وارده را قبول دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت بود رسیدگی ادامه پیدا نمی‌کرد و حکم صادر می‌شد. بر عکس، در صورت انکار متهم، رسیدگی شروع می‌شد. جستجوی حقیقت ظاهراً از شهادت شهود شروع می‌شد و اگر شاهدی وجود نداشت طرفین و احتمالاً هم قسم‌های آنها با تشریفات رسمی قسم یاد می‌کردند و نهایتاً اگر موضوع روشن نمی‌شد به جهت فقدان دلایل قانونی، کار به اوردالی می‌رسید.

در این بین قضات نیز فقط نظاره‌گر موضوع بودند و پیداست که قضات در نظام اتهامی نقش منفعل دارند و فقط به دلایل و مباحثات طرفین توجه کرده و بعد از آن حکم صادر می‌کنند.

برعکس، وکیل در نظام اتهامی نقش فعالی دارد به طوری که یک وکیل زبردست به راحتی می‌تواند با سفسطه، کاری کند که موضوع اصلی فراموش شود. بعد از خاتمه رسیدگی، حکم صادر می‌شود که قطعی است.

۲۳- ارزیابی نظام اتهامی

نظام اتهامی از لحاظ سیاسی با رژیمهای مردم سالار که برای حفظ حقوق فردی جایگاه بالاتری قائل هستند، هماهنگی بیشتری دارد. در مجموع محاسن و معایب این نظام را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۲۴- محاسن

الف. علنی بودن

علنی بودن محاکمه از محاسن نظام اتهامی است. در این شیوه قضات همواره مردم را ناظر بر رفتار خود می‌بینند و این موضوع باعث می‌شود تا دادرسی عادلانه‌تر انجام شود.

ب. ترافیعی بودن

از دیگر محاسن این نظام، ترافیعی بودن محاکمه است یعنی طرفین می‌توانند آزادانه دلایل یکدیگر را ارزیابی کنند و آن را مورد بحث قرار دهند که این موضوع نیز در روند رسیدگی عادلانه بسیار موثر است.

۲۵- معایب

الف. فقدان دستگاه تعقیب عمومی

شاید مهمترین ایراد نظام اتهامی، نبودن دستگاه تعقیب عمومی معادل دادستانی باشد. این موضوع سبب می‌شود که همه جرایم برای تعقیب نیازمند شکایت شاکی خصوص باشند که این نتیجه دو ایراد دارد: نخست آن که راه اخاذی و طرح دعای واهی را برای بزه‌دیده باز می‌کند و دوم آن که بسیاری از جرایم به علت ترس شاکی از متهم یا خانواده او و خودداری از طرح شکایت توسط وی، بدون تعقیب باقی می‌مانند.

ب. فقدان قضات حرفه‌ای

این امر که در نظام اتهامی الزامی وجود ندارد که قاضی از میان افراد متخصص به حقوق انتخاب شود، از معایب نظام اتهامی است زیرا مسلم است که یک فرد عادی هیچ‌گاه مثل افراد تحصیل کرده در علم حقوق، قادر به رسیدگی قضایی نیست.

۲۶- نظام دادرسی تفتیشی^۱

از لحاظ تاریخی پس از نظام اتهامی، نوبت به نظام تفتیشی می‌رسد. شاید بتوان نخستین سنگ بنای نظام تفتیشی را مربوط به دوران حکومت تراژان، امپراتور روم (۱۱۷-۹۸ میلادی) دانست. در زمان این امپراتور بنای نوعی نظام رسیدگی گذاشته شد که با نظام اتهامی معمول تفاوت داشت و به آن شیوهی غیر معمول یا استثنایی^۲ می‌گفتند. سنگ بنای بعدی همزمان با پذیرش مسیحیت از سوی کنستانتین، امپراتور روم بود که از آن زمان تصمیم گرفته شد محاکمه روحانیون مسیحی به طور غیرعلنی انجام شود تا آبرو و اعتبار کلیسا حفظ شود. اما اقدامی که عملاً به نظام تفتیشی رسمیت داد، فرمانی بود که پاپ اینوسان سوم در آغاز سال ۱۱۹۸ میلادی و پس از آن در سالهای ۱۱۹۹، ۱۲۱۲ و ۱۲۱۳ میلادی صادر کرد که چهارمین شورای عالی کلیسا در لاتران در سال ۱۲۱۵ میلادی، همه‌ی این فرامین را تایید کرد. مطابق این فرامین برگزاری فرایند رسیدگی به سه شیوه امکانپذیر بود: ایراد اتهام، اعلام جرم و ایمان کاوی. با افزایش قدرت کلیسا این شیوه نه تنها در مورد روحانیون متخلف، بلکه در مورد افرادی که از نظر کلیسا مرتد بودند (مثل برخی دانشمندان) به کار رفت و رفته رفته نظام تفتیشی، جانشین نظام اتهامی شد. البته در کشور انگلستان طبق فرمانی که هنری دوم پادشاه این کشور در سال ۱۱۶۰ میلادی صادر کرده بود، سیستم محاکمه در دادگاه‌های مذهبی و دادگاه‌های عادی از یکدیگر جدا بود و دادگاه‌های غیر مذهبی همچنان تابع نظام اتهامی بودند. در تاریخ مصداق بارز نظام تفتیشی را می‌توان دادگاه‌های تفتیش عقاید دانست. این دادگاه‌ها که ابتدا هدفشان بازداشتن بدعت‌کاران از لغزش بود به دنبال قدرت گرفتن بیشتر، ابتدا حکم به تبعید و مصادره اموال بدعت‌کاران (۱۲۱۵) و سپس سوزاندن آنها

1- inquisitorial system

2- extra ordinary

(۱۲۵۲ میلادی) دادند. نام دادرسی تفتیشی نیز از تشریفات اولیه‌ای که بر تمام جریان بعدی دادرسی تسلط داشته یعنی همان تفتیش و بازجویی، گرفته شده است.

۲۷- ویژگی‌های نظام تفتیشی

ویژگی‌های عمده نظام تفتیشی به شرح زیر است:

الف. وجود قاضی حرفه‌ای

در نظام تفتیشی بر خلاف نظام اتهامی، قضات از میان افراد متخصص به علم حقوق انتخاب می‌شوند و باید تحصیلات مخصوصی داشته باشند.

ب. وجود دستگاه تعقیب عمومی

در این نظام مرجع خاصی برای تعقیب جرایم وجود دارد که همان شخص قاضی است. به همین جهت گفته شده است که وحدت قاضی و دادستان از ویژگی‌های نظام تفتیشی است. قاضی در سیستم تفتیشی نقش بسیار فعالی دارد و در بسیاری از موارد حتی قبل از شکایت‌شاکای شروع به تعقیب و رسیدگی می‌کند.

پ. غیر علنی بودن رسیدگی

بر خلاف نظام اتهامی، در سیستم تفتیشی محاکمه غیرعلنی است و افراد عادی حق حضور در جلسه محاکمه را ندارند.

ت. وجود مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی

بر خلاف نظام اتهامی که در آن مرحله‌ای معادل تحقیقات مقدماتی وجود ندارد، در نظام تفتیشی، تحقیقات مقدماتی اهمیت زیادی داشته و قسمت عمده دادرسی را در بر می‌گیرد به طوری که جلسه دادگاه بیشتر تشریفات بوده و جهت تایید اتهاماتی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی عنوان شده است.

ث. کتبی بودن

تحقیقات مقدماتی و جریان رسیدگی در نظام تفتیشی، کتبی است. هر اقدام قضایی در پرونده که صورت می‌گیرد باید به صورت مکتوب باشد. ادعای شاکای، دفاع متهم و حتی شهادت شهود به صورت کتبی است. علت نیز آن است که در مرحله رسیدگی دادگاه بر اساس تحقیقات مقدماتی تصمیم‌گیری می‌شود و این امر ممکن نیست مگر تحقیقات کتبی باشد.

ج. غیر ترافیعی بودن

بر خلاف نظام اتهامی، مباحثه و مجادله‌ای بین شاکای و متهم به جریان نمی‌افتد. به جای مدعی خصوصی، نماینده‌ی جامعه یعنی مدعی العموم در محاکمه شرکت کرده و در برابر متهم قرار می‌گیرد. در این سیستم طرفین به خصوص متهم، اصولاً حق معرفی وکیل ندارند و در مجموع، اصل بر گناهکاری است مگر متهم قادر باشد خلاف آن را ثابت کند.

چ. وجود نظام دلایل قانونی

در این نظام، قاضی حق ارزیابی دلایل را ندارد و نمی‌تواند متهم را محکوم کند مگر در صورت احراز دلایلی که قانون معین کرده است.

ح. چند درجه‌ای بودن رسیدگی

در نظام تفتیشی دادگاه‌ها از حیث سلسله مراتب به دادگاه‌های عالی و تالی تقسیم می‌شوند. در دادگاه‌های عالی، سیستم تعدد قاضی و در دادگاه‌های پایین‌تر سیستم وحدت قاضی حکم فرماست.

۲۸- ادله اثبات دعوا در نظام تفتیشی

با خارج شدن اوردالی و دوئل، ادله اثبات دعوا محدود به دو دلیل سنتی یعنی اقرار و شهادت می‌شود.

۲۹- اقرار

در نظام تفتیشی، اقرار بالاترین دلیل محسوب می‌شود به همین دلیل شکنجه برای گرفتن اقرار به امری رایج در نظام تفتیشی بدل می‌شود و اقرار هر شخص، صرف نظر از این که چگونه تحصیل شده، برای محکومیت وی کفایت می‌کند.

۳۰- شهادت

در نظام تفتیشی، شهادت دو نفر مرد بدون توجه به عدالت آنها برای محکومیت به هر اتهامی کفایت می‌کند. البته شیوه استماع شهادت با نظام اتهامی متفاوت است در حالی که در نظام اتهامی، شهود را در دادرسی دخالت می‌دادند، در نظام تفتیشی، شهادت شهود به صورت کتبی و مخفیانه استماع می‌شود و متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، شهود را ملاقات نکرده و از هویت آنها مطلع نمی‌شود. شهادت زنان و کودکان نیز پذیرفته نمی‌شود مگر در جرایم مهم مثل سوءقصده علیه شاه یا خانواده او یا ارتداد.

۳۱- ارزیابی نظام تفتیشی

نظام تفتیشی از لحاظ سیاسی مورد تمایل دولت‌های دیکتاتوری و استبدادی است و منافع جامعه را بر منافع افراد ترجیح می‌دهد و از این جهت درست برخلاف نظام اتهامی عمل می‌کند. به طور کلی محاسن و معایب نظام تفتیشی را به شرح زیر می‌توان بر شمرد:

۳۲- محاسن**الف. وجود قضات تحصیل کرده**

تحصیل کرده بودن دادرسان و اطلاعات قضایی داشتن آنان از ویژگی‌های مثبت نظام تفتیشی است.

ب. وجود دستگاه دادستانی

وجود مرجعی به عنوان دستگاه تعقیب عمومی، مهمترین خلاء نظام اتهامی را برطرف می‌کند و بدین ترتیب از فرار بزهکارانی که بزه دیده‌ی آنها به هر دلیلی حاضر به شکایت نیست جلوگیری می‌شود.

پ. نداشتن هزینه برای شاکی

برخلاف نظام اتهامی که تمام بار مالی دعوا را بر دوش شاکی می‌گذارد، در نظام تفتیشی، شاکی هزینه‌ای نمی‌پردازد و بار مالی دعوا بر عهده دولت است.

ت. آزادی تحصیل دلیل برای قاضی

در سیستم تفتیشی، قاضی هیچگاه محدود به دلایل ارایه شده از سوی طرفین نیست و از آزادی کامل جهت نیل به حقیقت برخوردار است.

۳۳- معایب

الف. نپذیرفتن اصل برائت

در سیستم تفتیشی اصل برائت پذیرفته نشده بود و در ابتدای دادرسی متهم را وادار می‌کردند که جهت اثبات بی‌گناهی خود سوگند یاد کند.

ب. عدم حضور وکیل مدافع

در نظام تفتیشی، طرفین به ویژه متهم، حق داشتن وکیل را ندارند.

پ. اجبار شهود به تایید مجدد گواهی خود

در سیستم تفتیشی پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی، یک نفر قاضی شهود را دعوت کرده و شهادت مرحله تحقیقات مقدماتی آنها را قرائت و به آنها یادآوری می‌کرد که در صورت تغییر دادن آن به مجازات شهادت دروغ محکوم می‌شوند. ایراد این عمل آن بود که اگر شاهدی به هر دلیلی (ولو غیر عمدی) در ادای شهادت دچار اشتباه می‌شد، از ترس محکوم شدن به مجازات شهادت دروغ، شهادت قبلی خود را تایید می‌کرد.

ت. عدم اطلاع صحیح متهم از اتهامات وارده

در نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی، متهم بدون آن که اتهامات وارده به وی اعلام و به اصطلاح امروزی تفهیم اتهام شود، موضوع تحقیقات قرار می‌گرفت و باید به سوالات پاسخ می‌داد.

ث. بازداشت بودن متهم قبل از محاکمه

متهم در رسیدگی تفتیشی، اصولاً قبل از محاکمه بازداشت است و همانگونه که گفته شد حق ملاقات با وکیل را نیز ندارد که این موضوع حق دفاع وی را به حداقل می‌رساند.

ج. الزام قضات به اجرای حکم در همان روز صدور

قضات جز در موارد استثنایی مکلف بودند حکم را در همان روز صدور اجرا کنند که این موضوع جبران اشتباهات قضایی را غیرممکن می‌ساخت.

چ. دادن قدرت بیش از حد به قضات

یکی دیگر از ایرادات سیستم تفتیشی، دادن قدرت بیش از حد به قضات است که عملاً منجر به استبداد قضایی می‌شود. در این سیستم، قاضی فعال مایشاء است و قدرت انجام هر کاری را دارد.

ح. وجود شکنجه

شکنجه برای گرفتن اعتراف که نخستین بار توسط کلیسا و برای رسیدگی به اتهامات مذهبی جایز دانسته شد، به سرعت به سایر دادگاه‌ها نیز راه پیدا کرد و از قرن سیزدهم، رسماً برای تمامی بازجویی‌ها جایز دانسته شد و با استناد به شکنجه، جنایات بی‌شماری اتفاق افتاد که غالباً منتهی به مجازات بی‌گناهان و فرار گناهکاران واقعی می‌شد.

۳۴- جریان دادرسی در نظام تفتیشی

همان‌گونه که گفته شد (شماره ۲۶)، تا قبل از فرمان پاپ اینوسان سوم، در همه‌ی موارد، شروع به تعقیب نیازمند شکایت شاکی خصوصی بود و بعد از این فرمان، دادگاه‌های کلیسایی مجاز شدند تا در جرایم مذهبی، بدون شکایت شاکی خصوصی تعقیب را شروع کنند ولی در سایر جرایم، همچنان شروع به تعقیب نیازمند شکایت شاکی خصوصی بود. با گذشت زمان و فراگیر شدن سیستم تفتیشی، نقش شاکی به شدت محدود شد و حتی حق احضار طرف خود را از دست داده و فقط می‌توانست شکایت خود را به محضر قضات تقدیم کرده و منتظر ادامه رسیدگی شود و قضات نیز در صورت صلاحدید، مبادرت به احضار متهم می‌نمودند. جلسه تحقیقات مقدماتی به صورت غیرعلنی بوده و متهم مکلف بود به همه‌ی سوالات پاسخ دهد. شهادت شهود نیز به صورت کتبی استماع می‌شد و بعد از خاتمه تحقیقات از آنها خواسته می‌شد تا مجدداً شهادت خود را تایید کنند. شهادت برای متهم قرائت می‌شد و او حق داشت به صورت کتبی به آنها اعتراض کند. پس از تکمیل تحقیقات، پرونده به دادگاه فرستاده می‌شد و متهم تنها و بدون حضور وکیل در برابر قضات قرار می‌گرفت و اگر به او اجازه می‌دادند می‌توانست دلایل خود را ارائه و شهود خود را معرفی کند. قضات دادگاه می‌توانستند دستور شکنجه بدهند ولو این که قبلاً انجام شده باشد. پس از خاتمه رسیدگی، دادگاه‌های بدوی، حق تبرئه قطعی متهم را نداشتند و فقط می‌توانستند پرونده را به طور موقت از دستور کار خارج کنند یا دستور تحقیقات گسترده را بدهند. تبرئه قطعی فقط در صلاحیت دادگاه‌های تجدید نظر بود و ظاهراً در نظام تفتیشی موارد متعدد تجدیدنظر وجود داشت که بسیاری از آنها مربوط به موارد شکلی می‌شد. در صورت محکومیت رای به وسیله مدیر دفتر و در حضور قاضی رسیدگی کننده در زندان به متهم ابلاغ می‌شد و حکم اصولاً در همان روز اجرا می‌شد.

۳۵- نظام دادرسی مختلط (فرانسوی)

با گذشت زمان و افزایش انتقادات وارد بر شکنجه از سوی افرادی مثل ولتر، مونتسکیو و به خصوص سزار بکاریا در کتاب رساله جرایم و مجازات‌ها، برخی اصلاحات در سیستم تفتیشی صورت گرفت. مثلاً لویی شانزدهم (آخرین پادشاه قبل از انقلاب فرانسه) در اعلامیه سلطنتی ۲۴ اوت ۱۷۸۰، شکنجه مقدماتی را حذف و استعمال آن را در جریان تحقیقات مقدماتی لغو کرد. سپس فرمان اول مه ۱۷۸۸، شکنجه اولیه و نیز بازجویی روی صندلی مخصوص را حذف و قضات را مکلف به استدلال به هنگام صدور رای نمود و برای صدور احکام اعدام، اکثریت بیشتری را لازم دانست و برای متهمانی که بی‌گناه شناخته می‌شدند، جبران خسارت پیش‌بینی نمود.^۱ این اصلاحات با وجود مفید بودن، در غالب موارد اجرا نمی‌شدند لذا مشکلات همچنان به قوت خود باقی بود. با پیروزی انقلاب فرانسه روند اصلاحات در آیین دادرسی کیفری شدت گرفت و در سال ۱۷۹۱ نهاد هیات منصفه وارد سیستم قضایی فرانسه شد و به دنبال آن اصلاحات متعدد دیگری صورت گرفت ولی با وجود این اصلاحات، آمار بزهکاری به شدت افزایش یافت که به نظر می‌رسید بخش قابل توجهی از آن مربوط به آیین دادرسی کیفری است. به همین دلیل حقوقدانانی که به دستور ناپلئون در سال ۱۸۰۸ مجموعه قوانین تحقیقات جنایی فرانسه را تهیه می‌کردند، دست به ابتکار زده و با تلفیق دو نظام اتهامی و تفتیشی، نظام سومی را ایجاد کردند که به نظام مختلط یا فرانسوی معروف است که در صدد تعادل برقرار کردن بین

دو نظام قبلی است و به همین جهت برخی به آن نظام تعادلی نیز می‌گویند. تاثیر نظام مختلط در قوانین آیین دادرسی کشورها بیش از دو نظام قبلی بوده است به طوری که اکثر قوانین آیین دادرسی کشورهای اروپای غربی مثل اسپانیا، پرتغال، بلژیک، لوکزامبورگ، آلمان، سوئد و نروژ به طور مستقیم تحت تاثیر این سیستم قرار گرفته‌اند.

۳۶- ویژگی‌های نظام مختلط

همان‌گونه که قبلاً گفته شد (شماره ۳۵) نظام مختلط رسیدگی، تلفیقی است از دو نظام اتهامی و تفتیشی. بدین ترتیب که در این نظام، بر خلاف دو نظام قبلی که تحقیق و رسیدگی توسط مرجع واحدی انجام می‌شد، مراجع انجام‌دهنده تحقیق و رسیدگی از یکدیگر جدا هستند و مرحله تحقیقات مقدماتی تابع ویژگی‌ها نظام تفتیشی و مرحله رسیدگی تابع ویژگی‌های نظام اتهامی است. در توضیح بیشتر اضافه می‌شود که در نظام مختلط، انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده مرجعی به نام دادسرا می‌باشد که مطابق با ویژگی‌های نظام تفتیشی یعنی کتبی، غیرعلنی و غیر ترافیعی انجام می‌شود. رسیدگی نیز بر عهده دادگاه است که مطابق با ویژگی‌های نظام اتهامی یعنی علنی و ترافیعی صورت می‌گیرد. پس، نظام مختلط، همان نظام دادسرا-دادگاه است، که انجام تحقیقات مقدماتی آن بر عهده‌ی نهاده‌ی به نام دادسرا و مطابق با ویژگی‌های نظام تفتیشی می‌باشد و در این مرحله با توجه به ضرورت کسب اطلاعات و جمع‌آوری دلایل، آزادیهای متهم تا حدودی محدود می‌شود. از دیگر سو نظام مختلط، در مرحله دادرسی و صدور حکم تابع ویژگی‌های نظام اتهامی است یعنی رسیدگی به صورت علنی و ترافیعی انجام می‌شود.

۳۷- نظام مختلط و تحولات آن در ایران

نظام دادرسی پذیرفته شده در ایران به موجب قانون اصول محاکمات جزایی و قانون اصول تشکیلات عدلیه، نظام مختلط (دادسرا- دادگاه) بود که با وجود اصلاحات فراوان و به خصوص تغییرات متعدد بعد از پیروزی انقلاب، همچنان تا سال ۱۳۷۳ به کار خود ادامه داد. در این سال با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (از این پس ق.ت.د.ع.و.ا)، دادسرا از سازمان قضایی ایران حذف شد و دادگاه‌هایی تحت عنوان دادگاه‌های عام (عمومی) ایجاد شد. این قانون سیستم جدیدی را که مراجعه مستقیم به قاضی بود پیش‌بینی کرده بود یعنی افراد به جای آن که ابتدا به دادسرا مراجعه کنند و سپس پرونده آنان در دادگاه مورد رسیدگی قرار بگیرد، از همان ابتدا به قاضی دادگاه مراجعه می‌کردند. این سیستم که ظاهراً قصد نزدیک شدن و انطباق با نظام رسیدگی در اسلام را داشت، نه تنها با نظام اسلامی بلکه با هیچ نظام دیگری (اتهامی، تفتیشی و مختلط) نیز قابل انطباق نبود و با گذشت زمان بیش از پیش معایب آن آشکار شد؛ لذا قانونگذار در صدد احیا دادسرا برآمد و با اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱ مجدداً دادسرا را احیاء نمود و با احیاء دادسرا، مجدداً نظام مختلط رسیدگی در ایران حاکم گردید. البته باید گفت که در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (معروف به قانون احیاء دادسرا) جنبه تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی کاملاً آشکار بوده است. مواردی مثل افزایش جهات صدور قرار بازداشت موقت اجباری، ممانعت از حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و نداشتن ضمانت اجرا

برای رعایت نکردن حقوق دفاعی متهم، همه از مواردی بودند که به شدت به تحقیقات مقدماتی جنبه‌ی تفتیشی داده بودند که این موارد باعث تضییع حقوق متهمان می‌گردید.

۳۸- جنبه تفتیشی نظام مختلط در قانون سال ۹۲

در مقایسه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز باید گفت که قانون جدید به شدت از جنبه تفتیشی مرحله تحقیقات مقدماتی کاسته است. پیش‌بینی مواردی مانند حق داشتن وکیل نزد ضابطین (ماده ۴۸ ق. آ. د. ک)، حق ارتباط شخص تحت نظر با بستگان (ماده ۵۰ ق. آ. د. ک)، حق معاینه پزشکی برای شخص تحت نظر (ماده ۵۱ ق. آ. د. ک)، تکلیف ضابطین به تفهیم حقوق قانونی به شخص تحت نظر (ماده ۵۲ ق. آ. د. ک)، حق داشتن وکیل نزد بازپرس (ماده ۱۹۰ ق. آ. د. ک)، تکلیف باز پرس به اعلام حق داشتن وکیل به متهم (ماده ۱۹۰ ق. آ. د. ک)، حق اطلاع وکیل متهم از اتهام و دلایل آن (ماده ۱۹۰ ق. آ. د. ک)، تکلیف بازپرس به صدور قرار در صورت تصمیم به منع دسترسی وکیل متهم به پرونده (ماده ۱۹۱ ق. آ. د. ک)، حذف موارد بازداشت موقت اجباری (ماده ۳۳۷ ق. آ. د. ک) و حذف موارد بازداشت موقت اجباری در قوانین خاص (تبصره ماده ۲۳۷ ق. آ. د. ک) به وضوح نشان می‌دهد که قانون جدید از جنبه‌ی تفتیشی تحقیقات مقدماتی کاسته و به نظام اتهامی نزدیک‌تر شده است.

۳۹- نظام دادرسی اسلامی

در اسلام در خصوص قواعد شکلی از قبیل احضار یا جلب یا تعقیب که به طور اخص مربوط به دادرسی کیفری می‌شوند، نص صریحی وجود ندارد بلکه آنچه در این مورد وجود دارد، بخشی از کلیت نظام حقوقی اسلام است که با ظهور رسالت نبی اکرم (ص)، بر اساس منابع مربوط (کتاب، سنت، عقل و اجماع) پیش‌بینی و مقرر شده است. با این وجود نظام دادرسی اسلامی ویژگی‌هایی دارد که مختص خودش است و آن را از سایر سیستم‌های حقوقی جدا می‌کند.

۴۰- ویژگی‌های نظام دادرسی اسلامی

الف. وجود شرایط خاص برای تصدی مقام قضاوت

در اسلام قضاوت و وظیفه‌ی امام (ع) و نایب خاص او و در غیاب آنها وظیفه فقیه جامع الشرایط است و چنانچه فقیه جامع الشرایط وجود نداشته باشد، فقیه عادل و اگر فقیه عادل نیز وجود نداشته باشد، هر کس شرایط لازم را برای تصدی امر قضا دارا باشد می‌تواند بین مردم به قضاوت بپردازد. در اسلام بنا به قول مشهور، قاضی باید ۲۷ شرط داشته باشد که ۱۲ شرط آن واجب و ۱۵ مورد دیگر مستحب است.

ب. وحدت قاضی

در نظام دادرسی اسلام تعدد قضات برای رسیدگی پیش‌بینی نشده است و شاید به همین دلیل باشد که شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ تعدد قضات را خلاف شرع دانست و دادگاه‌هایی مثل دادگاه انقلاب که تا آن تاریخ با تعدد قضات تشکیل جلسه می‌دادند، پس از آن با قاضی واحد تشکیل شدند.

پ. یک درجه‌ای بودن رسیدگی

در اسلام تجدید نظر جز در سه مورد (پی بردن قاضی به اشتباهش، پی بردن قاضی دیگر به اشتباه قاضی نخست و اثبات عدم صلاحیت قاضی) ممکن نیست. توجیه موضوع نیز آن است که چون قاضی اسلامی دارای کمال لازم (۲۷) شرط یاد شده) می‌باشد، حکم وی بدون ایراد و نقص است، لذا تجدید نظر در آن مفهومی ندارد.

ت. عدم وجود هیات منصفه

در دادرسی اسلامی نهادهای معادل هیات منصفه پیش‌بینی نشده و وجود ندارد.

ث. آزادی تحصیل دلیل

در سیستم رسیدگی در اسلام، قاضی محدود به دلایل ارائه‌شده از سوی طرفین نیست و مجاز است در راه کشف حقیقت هر تحقیقی را که لازم بداند انجام دهد.

ج. وجود نظام دلایل قانونی

در نظام دادرسی اسلام راه‌های اثبات جرایم از قبل مشخص شده است که عبارتند از اقرار، شهادت، قسامه (در جنایات) و علم قاضی. البته با توجه به این که علم قاضی از سایر دلایل مهمتر است و در صورتی که علم قاضی خلاف اقرار یا شهادت باشد، قاضی به علم خودش عمل می‌کند (همانگونه که در ماده ۲۱۲ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲ نیز تصریح شده است) شاید بهتر باشد که بگوییم نظام پذیرفته شده در اسلام، همان نظام دلایل معنوی است.

چ. پذیرش اصل برائت

از دیگر ویژگی‌های نظام دادرسی اسلامی پذیرش اصل برائت است یعنی متهم لازم نیست که بی‌گناهی خود را ثابت کند.

ح. تقسیم به جرایم حق‌اللهی و حق‌الناسی

در اسلام جرایم به دو دسته کلی حق‌اللهی و حق‌الناسی تقسیم می‌شوند که دسته نخست بدون نیاز به شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است ولی دسته دوم برای شروع به تعقیب نیازمند شکایت شاکی خصوصی است.

خ. علنی بودن محاکمه

رسیدگی دادگاه در نظام دادرسی اسلامی، علنی است و افراد می‌توانند آزادانه در دادگاه شرکت کنند.

د. جایز نبودن رسیدگی غیابی در جرایم حق‌اللهی

در حقوق اسلام در جرایمی که جنبه حق‌اللهی دارند، رسیدگی غیابی جایز نیست اما در جرایم حق‌الناسی می‌توان بدون حضور متهم رسیدگی و رای صادر کرد.

مبحث ششم: تحولات آیین دادرسی کیفری در ایران

در ایران و تا قبل از انقلاب مشروطیت، قانون آیین دادرسی کیفری مدون، چه شکلی و چه ماهوی وجود نداشت و حکام محلی به دلخواه و سلیقه خود مجازات‌ها را تعیین می‌کردند. پس از انقلاب مشروطه، نخستین قانون آیین دادرسی کیفری ایران به نام قانون موقتی اصول محاکمات جزایی در نهم رمضان ۱۳۳۰ هجری قمری، مطابق با ۳۰ مرداد ۱۲۹۱

هجری شمسی به تصویب رسید که در مجموع ۵۰۶ ماده داشت.^۱

این قانون در سالهای ۱۳۱۱، ۱۳۳۵، ۱۳۳۷، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱، ۱۳۵۲ و ۱۳۵۶ مورد اصلاحات فراوانی قرار گرفت که این اصلاحات بعد از انقلاب اسلامی نیز ادامه پیدا کرد.

نخستین اصلاح بعد از انقلاب، تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی (۱۳۵۸/۶/۲۰) و پس از آن قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۶۱/۶/۶) بود و این تغییرات با تصویب قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آنها (۱۳۶۷/۷/۱۴)، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور (۱۳۶۸/۳/۳۱) و قانون تجدید نظر آراء دادگاه‌ها (۱۳۷۲/۵/۱۷) ادامه یافت تا این که سرانجام در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۱۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به تصویب رسید. این قانون دادرسی را از سازمان قضایی ایران (البته فقط در محدوده دادگاه‌های عمومی و انقلاب) حذف کرد و وظایف دادستان را به رییس حوزه قضایی واگذار نمود که منظور از رییس حوزه قضایی همان‌گونه که ماده ۱۲ ق. ت. د. ع. و. ا تصریح می‌کند، رییس شعبه اول دادگاه عمومی یا رییس دادگستری شهرستان است. به دنبال حذف دادرسی، در سال ۱۳۷۸ قانون متناسب با نظام بدون دادرسی که همان قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بود، به تصویب رسید. این قانون که ابتدای تصویب سه ساله بود، بارها تمدید شد و در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ مقام رهبری به موجب حکم حکومتی شماره ۱/۱۶۷۴۳ اجازه اجرای آن را تا زمان تصویب قانون جدید به رییس قوه قضاییه اعطا نمود و بدین سان قانونی که در ابتدای تصویب قرار بود سه ساله باشد بیش از ۱۵ سال به حیات خود ادامه داد (توضیح آن که هرچند قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد ولی چون در آخرین ماده قانون تصریح شده است که این قانون ۶ ماه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم الاجرا می‌شود، عملاً مدت حیات قانون سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۳ یعنی ۱۵ سال خواهد بود).

از دیگر سو با گذشت چند سال از حذف دادرسی و با تغییر ریاست قوه قضاییه، مسؤولان قضایی در صدد احیای دادرسی برآمدند و در ۱۳۸۱/۷/۲۸ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (معروف به احیاء دادرسی) تصویب شد که با تصویب این قانون، دادرسی مجدداً به نظام قضایی کشور بازگشت. این قانون هرچند مشکل فقدان دادرسی را برطرف نمود ولی با تصویب آن مشکل جدیدی بروز کرد که ناهماهنگی بین قانون جدید و قانون سال ۱۳۷۸ بود زیرا قانون سال ۱۳۸۱ که مواد بسیار محدودی داشت، منطبق با نظام دارای دادرسی و قانون سال ۱۳۷۸، که عمده مواد قانونی در آن پیش‌بینی شده بود، منطبق با نظام بدون دادرسی بود که این موضوع در بسیاری از موارد منجر به ایجاد مشکل می‌شد.

۱- گفتنی است در برخی کتب، تاریخ تصویب این قانون (به درستی) ۱۲۹۱ شمسی ذکر شده است؛ علت این اختلاف زمانی به این جهت است که لایحه قانون موقتی محاکمات جزایی که از سوی وزارت عدلیه سابق پیشنهاد شده بود در ابتدا دارای ۴۹۲ ماده بود. شور اول این لایحه در کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی، در شهریور سال ۱۲۹۰ خورشیدی به اتمام رسیده و شور ثانی آن نیز تا ماده یکصد و هفتاد تمام شده بود که در این زمان مجلس شورای ملی منفصل می‌گردد و بررسی نهایی قانون مزبور ناتمام می‌ماند اما نظر به اهمیت و فوریت تصویب قانون مزبور و لزوم و کثرت احتیاج عمومی به آن، از طرف وزارت عدلیه از آقایان حاجی سید نصرالله و ذکاءالملک و میرزا رضاخان طباطبایی تقاضا می‌شود به معاونت و مشاورت آقای سید محمدحسن مدرس و آقای مشیرالدوله و با جلب نظریات آقای آدولف پرنی، مستشار عدلیه از جمهوری فرانسه، شور دوم قانون مزبور را به انجام برسانند که از طرف هیأت وزراء موقتاً به موقع اجرا گذاشته شود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی از تصویب مجلس جدید گذشته و رنگ قانون بگیرد. لذا این کمیسیون در مدت دو ماه با حضور آقایان مدرس و مشیرالدوله و جلب نظریات کارشناس فرانسوی مزبور، شور دوم آن را تمام می‌کنند که تاریخ آن ۱۲۹۱/۵/۳۰ شمسی برابر با ۹ رمضان ۱۳۳۰ هجری قمری و ۱۶ جولای ۱۹۱۲ میلادی می‌باشد. افزودنی است ۱۴ ماده (مواد ۴۱۶ الی ۴۲۹) توسط این کمیسیون ویژه به لایحه اولیه اضافه شده که مجموعاً ۵۰۶ ماده شده است.

به ناچار برای حل این مشکل لایحه آیین دادرسی کیفری جدید منطبق با نظام موجود تهیه و در چهارم اسفند ماه ۱۳۹۲ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس و پس از آن در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ به تایید شورای نگهبان رسید. سپس در مورخه ۱۳۹۳/۷/۸ بخش‌های مربوط به دادرسی نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک به عنوان بخش‌های هشتم تا دوازدهم به قانون اضافه گردید و زمان لازم الاجرا شدن کل قانون نیز اول تیر ماه ۱۳۹۴ تعیین گردید ولی قبل از فرا رسیدن این تاریخ، مجدداً قانونگذار تصمیم به اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری گرفت و در خرداد ماه ۱۳۹۴ حدود ۳۸ ماده از قانون، اصلاح شده؛ نهایتاً در بیست و هفتم خرداد ماه به تایید شورای نگهبان رسید و زمان اجرای قانون نیز اول تیر ماه ۱۳۹۴ تعیین گردید.

این قانون که مدت اعتبار آن سه ساله بود و بعداً در ۹۷/۳/۲۳ دائمی گردید؛ بسیاری از قوانین سابق از جمله قانون اصول محاکمات جزایی، مواد متعددی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی انقلاب، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور، قانون تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها (که دو قانون اخیر در محدوده دادرسی و دادگاه‌های نظامی لازم الاجرا بودند)، قانون دادرسی نیروهای مسلح (به جز سه ماده) و بسیاری از قوانین دیگر را نسخ کرده است.

مبحث هفتم: منابع آیین دادرسی کیفری

معمولاً در بحث منابع حقوقی، منابع موجود را به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌کنند که دسته نخست به طور مستقیم و دسته دوم به طور غیر مستقیم، رشته‌های حقوقی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. آیین دادرسی کیفری نیز از شمول این قاعده خارج نیست لذا منابع آیین دادرسی کیفری نیز به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند.

۴۱- منابع اصلی

منابع اصلی آیین دادرسی کیفری عبارتند از:

الف. قانون

قانون در معنای اخص، صرفاً به مصوبات مجلس قانونگذاری که بعد از تایید شورای نگهبان و امضای رئیس جمهور در روزنامه رسمی منتشر شده و یا آن چه از راه همه پرسی تصویب شده اطلاق می‌گردد اما در مفهوم عام به کلیه مقررات لازم الاجرا که توسط مراجع صالح قانونگذاری وضع شده، قانون اطلاق می‌گردد. بدین ترتیب وقتی صحبت از قانون به میان می‌آید منظور اصول قانون اساسی، مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوبات هیئت وزیران و رئیس قوه قضاییه در حدود اصول ۱۳۸ و ۱۵۷ قانون اساسی و احکام حکومتی مقام رهبری در چارچوب اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

ب. معاهدات بین‌المللی

مطابق ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است. اضافه می‌شود که حکم این ماده در مواردی قابل اجراست که معاهده طبق اصل ۷۷ قانون اساسی به تصویب مجلس رسیده باشد.

پ. آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوانعالی کشور

آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور، یکی دیگر از منابع اصلی آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شود. طبق ماده ۴۷۱ ق. آ. د. ک:

هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیات عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیات عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤساء و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است.

در صورتی که رأی، اجرا نشده یا در حال اجرا باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیات عمومی نسبت به آرای مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود. با توجه به این ماده آراء وحدت رویه پس از صدور هم برای شعب دیوان عالی کشور و هم برای دادگاه‌های پایین تر لازم الاتباع می‌باشد.

ماده ۴۷۳ ق. آ. د. ک نیز تاکید می‌کند که:

آرای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده (۴۷۱) این قانون صادر می‌شود، قابل تغییر است. و از این جهت، رأی وحدت رویه نیز از منابع اصلی آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شود.

۴۲- منابع فرعی

الف. رویه قضایی

منظور از رویه قضایی، آرای است که دادگاه‌ها در موارد مشابه صادر می‌کنند. رویه قضایی از آن جهت جزء منابع آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شود که دادگاه‌ها معمولاً به آرای که از شعب دیگر صادر می‌شود توجه می‌کنند به گونه‌ای که می‌توان گفت پس از مدتی در خصوص یک موضوع، عرف خاصی بین دادگاه‌ها ایجاد می‌شود؛ و از این جهت رویه قضایی از منابع فرعی است که رأی صادره در یک موضوع خاص نه برای خود آن دادگاه و نه برای دادگاه‌های دیگر لازم الاتباع نمی‌باشد.

ب. منابع فقهی معتبر

اصل ۱۶۷ قانون اساسی در موارد سکوت قانون، رجوع به منابع فقهی معتبر را مقرر داشته است که البته بسیاری از حقوقدانان اعتقاد دارند که این اصل مربوط به امور حقوقی است و نه کیفری و در امور کیفری در موارد سکوت و اجمال

و ابهام قانون، متهم باید تبرئه شود.^۱

آنچه مسلم است این است که اصل ۱۶۷ قانون اساسی در محدوده قوانین جزایی ماهوی کاربرد ندارد یعنی نمی‌توان به استناد منابع فقهی معتبر، عملی را که در قانون جرم نیست، جرم شناخت^۲ اما آیا در قوانین شکلی نیز اصل ۱۶۷ مختص به امور حقوقی است؟ برخی معتقدند که در این موارد رجوع به اصل ۱۶۷ قانون اساسی جایز است زیرا می‌توان از هر شیوه منطقی و مناسبی برای فیصله دادن به دعوا استفاده کرد و نمی‌توان یک پرونده کیفری را برای همیشه به علت سکوت قانون آیین دادرسی کیفری مفتوح نگه داشت.

پ. عرف

منظور از عرف، آداب و رسوم مورد قبول اکثریت مردم یک جامعه است. در قوانین شکلی اصولاً مراجعه به عرف موردی پیدا نمی‌کند اما نمی‌توان گفت که این موضوع به طور کلی غیرممکن است و در برخی موارد، قانونگذار موضوعی را بیان کرده است اما تعیین مصادیق آن با توجه به عرف انجام می‌شود. برای مثال مطابق ماده ۳۵۲ ق. آ. د. ک در جرایم خلاف اخلاق حسنه یا جرایمی که مخل احساسات مذهبی یا قومی باشد، دادگاه می‌تواند جلسه رسیدگی را غیرعلنی برگزار کند. تشخیص این موضوع که چه جرایمی خلاف اخلاق حسنه یا مخل احساسات مذهبی یا قومی است، امری است که تا حد زیادی به عرف بستگی دارد.

به همین ترتیب بند (ج) ماده ۱۷۸ ق. آ. د. ک یکی از مصادیق عذر موجه در خصوص عدم حضور متهم را سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود؛ دانسته است.

ت. دکترین یا عقیده‌ی علمای حقوق

مجموعه عقایدی را که در باب توجیه و بیان و تفسیر قواعد حقوقی از طرف علمای فن اظهار می‌شود، دکترین می‌نامند.

معمولاً علمای حقوق ضمن بررسی قوانین به بیان ایرادات و معایب و محاسن یک قانون می‌پردازند و از این راه قانونگذار می‌تواند در تدوین بعدی قوانین، با توجه به نظرات بیان شده، قانون را اصلاح نماید. اما دکترین از آن جهت از منابع فرعی است که تکلیفی را برای قانونگذار یا دادگاه‌ها ایجاد نمی‌کند و به عنوان یک منبع کمکی در کنار منابع اصلی قرار می‌گیرد.

فصل دوم: اصول حاکم بر دادرسی منصفانه

قانون آیین دادرسی کیفری جدید در مواد ۲ الی ۷ و بلافاصله بعد از تعریف آیین دادرسی به بیان اصول حاکم بر دادرسی منصفانه پرداخته است. و هرچند که بسیاری از این موارد قبلاً در قانون اساسی و قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی بیان شده بود اما ذکر آنها را در قانون آیین دادرسی کیفری به خصوص در مواد اولیه قانون و بلافاصله بعد از تعریف آیین دادرسی کیفری را می‌توان حاکی از توجه قانونگذار به موضوع و از نقاط قوت قانون دانست.

۱- آخوندی، پیشین، ص ۱۰۳.

۲- اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه ۷/۶۹-۱۳۸۷/۱۲/۲۳ این نظریه را تایید کرده است.

در مورد منابع فقهی معتبر باید ماده ۲۲۰ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ را نیز مد نظر قرار داد. مطابق این ماده در مورد حدودی که در قانون مجازات اسلامی ذکر شده است، طبق منابع فقهی معتبر عمل می‌شود.

در تعریف دادرسی منصفانه گفته شده است: رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات مدنی و کیفری میان طرفین دعوا چه در امور حکمی و چه در امور موضوعی، در دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی‌طرف و غیر ذی نفع، با تضمین و رعایت حقوق قانونی طرفین دعوا در طی مراحل مختلف دادرسی.^۱

در فرهنگ حقوقی وبستر در تعریف دادرسی منصفانه آمده است:

محاکمه توسط یک دادگاه بی‌طرف و عادل، که به گونه‌ای انجام شود که طرفین دعوا از حقوق معین شده دادرسی به موجب قوانین موضوعه برخوردار شوند. در مورد محاکمه کیفری، یعنی محاکمه‌ای که در آن حقوق متهم بر اساس قانون اساسی محترم شمرده شود.^۲

برخی از اصول حاکم بر دادرسی منصفانه با توجه به اسناد بین‌المللی مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در قانون به آنها اشاره شده عبارتند از:

۴۳- مستند بودن دادرسی کیفری به قانون

منظور از مستند به قانون بودن دادرسی کیفری این است که تمامی مراحل دادرسی کیفری اعم از تحقیق و تعقیب و رسیدگی دادگاه و حتی اجرای حکم باید بر مبنای قانون باشد.

مستند بودن دادرسی کیفری به قانون باید به منزله شرط اول ایجاد امنیت قضایی برای شهروندان تلقی شود تا قدرت حاکمه نتواند به تشخیص خود و یا توسل به تدابیر قهری آن را به مخاطره افکند.^۳

این اصل در اسناد متعدد بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته است.

ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشعار می‌دارد که احدی نمی‌تواند خودسرانه حبس یا توقیف شود.

ماده ۹ میثاق حقوق بین‌المللی مدنی و سیاسی نیز در این مورد با صراحت بیشتری اعلام می‌کند که: هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد، از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون.

ماده ۲ ق.آ.د. ک نیز با توجه به همین اصول مقرر می‌دارد که «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد...». اصل قانونی بودن، خواه در مورد جرم و خواه در مورد دادرسی کیفری مهمترین اصل و پایه و مبنای رسیدگی است.

اصل ۳۶ قانون اساسی نیز در همین راستا مقرر داشته است که «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

۴۴- اصل تساوی

یکی دیگر از اصولی که ماده ۲ ق.آ.د. ک به آن اشاره کرده است اصل تساوی افراد در برابر دادگاه است. این اصل نیز از مواردی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده است. ماده هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر در این مورد اعلام کرده است همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالاسویه از حمایت قانون برخوردار شوند.

۱- فضائلی، مصطفی، اصول حاکم بر دادرسی عادلانه در محاکمات بین‌المللی، شهر دانش، چ سوم، ۱۳۹۲، ص ۶۰

2- Webster s new world law dictionary copy right 2010 by wiley publishing inc

۳- آشوری، پیشین، ص ۲۶

همچنین ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در این مورد اشعار داشته است: همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوانه‌های دادگستری مساوی هستند.

قسمت اخیر ماده ۲ ق. آ. د. ک نیز در همین راستا مقرر داشته است: «دادرسی کیفری باید..... حقوق طرفین دعوا را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی و به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود».

مقصود از تساوی در این جا برابری طرفین در فرآیند دادرسی است. بدیهی است چنانچه وضعیت طرفین و رفتار با آنان در طی محاکمه منجر به نابرابری میان آنان شود، اصل برابری نقض شده است.^۱ به عبارت دیگر منظور از تساوی آن است که شرایط و امکانات دعوا باید بین دو طرف دعوا برابر باشد و هر چند که ماده، به متهمانی اشاره می‌کند که به سبب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، اما برابری فقط محدود به متهمان نبوده و شامل تمامی افراد دخیل در فرآیند دادرسی کیفری می‌شود.

۴۵- اصل بی طرفی مرجع قضایی

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد دادرسی عادلانه اظهار داشته است:

هر کس با مساوات کامل حق دارد دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی طرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود. به همین ترتیب بند یک ماده ۱۴ میثاق بین المللی مدنی و سیاسی نیز در این مورد اعلام کرده است: هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در دادگاه صالح مستقل و بی طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود. این مواد در صدد بیان یکی از اصول مهم آیین دادرسی کیفری یعنی اصل بی طرفی مرجع قضایی هستند که ماده ۳ ق. آ. د. ک نیز به آن تصریح می‌کند.

منظور از بی طرفی عدم جانبداری نهادینه شده، از یک اندیشه، تفکر یا مکتب و گرایش حقوقی در ارگان قضایی است.^۲

قبلاً در ق. آ. د. ک سال ۱۳۷۸ در ماده ۳۹ به اصل بی طرفی قضات تحقیق اشاره کرده بود که ماده ۹۳ ق. آ. د. ک نیز در تکرار همان ماده بر لزوم بی طرفی بازپرس به هنگام انجام تحقیقات مقدماتی تاکید کرده است اما ماده ۳ ق. آ. د. ک بر لزوم بی طرفی مرجع قضایی اصرار ورزیده است که عبارت «مرجع قضایی» شامل تمامی نهادهای قضایی دخیل در دادرسی کیفری اعم از دادسرا و دادگاه می‌شود. یعنی قانونگذار بر حفظ لزوم بی طرفی مرجع قضایی در تمامی مراحل دادرسی کیفری تاکید کرده است.

۴۶- اصل استقلال مرجع قضایی

موضوع مهم دیگری که در ماده ۳ ق. آ. د. ک به آن اشاره شده است، اصل استقلال مرجع قضایی است که ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر بر آن تاکید کرده است.

استقلال به معنی مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی یا اجرایی است. هرگاه مراجع و قدرتهایی در پی آن باشند تا با

۱- پیشین، ص ۳۲۷.

۲- فضائلی، پیشین، ص ۲۴۴.

نفوذ و تاثیرگذاری بر دادگاه یا قضات، رای و تصمیم آنها را متاثر سازند و دادگاه یا قضات فاقد ابزار و تضمینهای لازم برای مصون ماندن از چنان تاثیری باشد، فاقد استقلال خواهد بود.^۱

۴۷- اصل سرعت در رسیدگی

مطلب دیگری که ماده ۳ ق. آ. د. ک به آن اشاره کرده، سرعت در رسیدگی است. بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق بین المللی مدنی و سیاسی در این مورد اشعار می‌دارد که هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود.

قبلاً در ماده ۶۱ ق. آ. د. ک سال ۱۳۷۸ بر سریع بودن تحقیقات تاکید شده بود و همچنین در ماده ۹۴ ق. آ. د. ک فعلی بر لزوم سریع بودن تحقیقات مقدماتی تاکید شده است اما در قانون قدیم هیچ ماده‌ای در خصوص سریع بودن دادرسی و رسیدگی وجود نداشت تا این که ماده ۳ ق. آ. د. ک به این موضوع توجه کرده است. قسمت اخیر ماده ۳ ق. آ. د. ک مقرر می‌دارد که مرجع قضایی باید در کوتاه‌ترین مهلت ممکن به موضوع رسیدگی کرده و تصمیم مقتضی اتخاذ نماید و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کند. البته قبلاً رییس قوه قضاییه دستورالعمل‌های متعددی را در خصوص جلوگیری از اطاله دادرسی صادر کرده بود اما در مواد قانونی به این موضوع اشاره نشده بود.

۴۸- اصل برائت

ماده ۴ ق. آ. د. ک مقرر می‌دارد «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای باشد که به کرامت و حیثیت اشخاص وارد کند».

این ماده در حقیقت تکرار برخی از اصول قانون اساسی است. مثلاً اصل برائت موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی است. مطابق این اصل، «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح اثبات گردد». به همین ترتیب اصل ۳۲ قانون اساسی در خصوص اقدامات محدودکننده و سالب آزادی مقرر می‌دارد که هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند و یا در مورد ورود به حریم خصوصی اشخاص، اصل ۲۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». قسمت آخر ماده ۴ نیز بر لزوم حفظ کرامت و حیثیت اشخاص متهم اشاره می‌کند که این موضوع نیز در اصل ۳۹ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این اصل، هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. همچنین در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی به موارد متعددی در مورد حفظ حیثیت و کرامت انسانی افراد اشاره شده است مثل خودداری از بردن اشخاص به مکان‌های نامعلوم، خودداری از بستن چشم، خودداری از شکنجه، خودداری از کنجکاوای در گناهان گذشته افراد و....

ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در مورد اصل براءت اعلام کرده است هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تامین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد.

به همین ترتیب بند ۲ ماده ۱۴ میثاق حقوق بین‌المللی مدنی و سیاسی نیز در این مورد اشعار داشته است: هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.

۴۹- حق اطلاع از حقوق قانونی

مطلب دیگری در مواد ۵ و ۶ ق.آ.د. ک مورد توجه قرار گرفته و قانونگذار به آن اشاره کرده، حق آگاهی و مطلع شدن متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط از حقوق قانونی خود است که در قوانین قبلی چنین ماده‌ای وجود نداشت. با توجه به این مواد، مقامات قضایی و انتظامی مکلفند در اسرع وقت حقوق قانونی افراد دخیل در دادرسی کیفری، به خصوص متهم را به نحوی که برای وی قابل درک باشد به او اعلام کنند و مطمئن شوند که آنان از حقوق قانونی خود مطلع شده‌اند.

در تاکید و تکمیل این ماده قانونگذار موارد متعدد دیگری را نیز در قانون ذکر کرده است. مثلاً ماده ۳۸ ق.آ.د. ک مقرر می‌دارد که ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدتهای حقوقی آگاه سازند. به همین ترتیب ماده ۵۲ ق.آ.د. ک ضابطان را مکلف کرده است که به محض تحت نظر قرار گرفتن متهم، حقوق مندرج در قانون را به شخص متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده نمایند و بازمه در همین راستا ماده ۱۹۰ ق.آ.د. ک بازپرس را مکلف کرده است که پیش‌از شروع تحقیقات حق داشتن وکیل را به متهم ابلاغ و تفهیم نماید. این مورد نیز از مواردی است که در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق بین‌المللی مدنی و سیاسی به آن اشاره شده است.

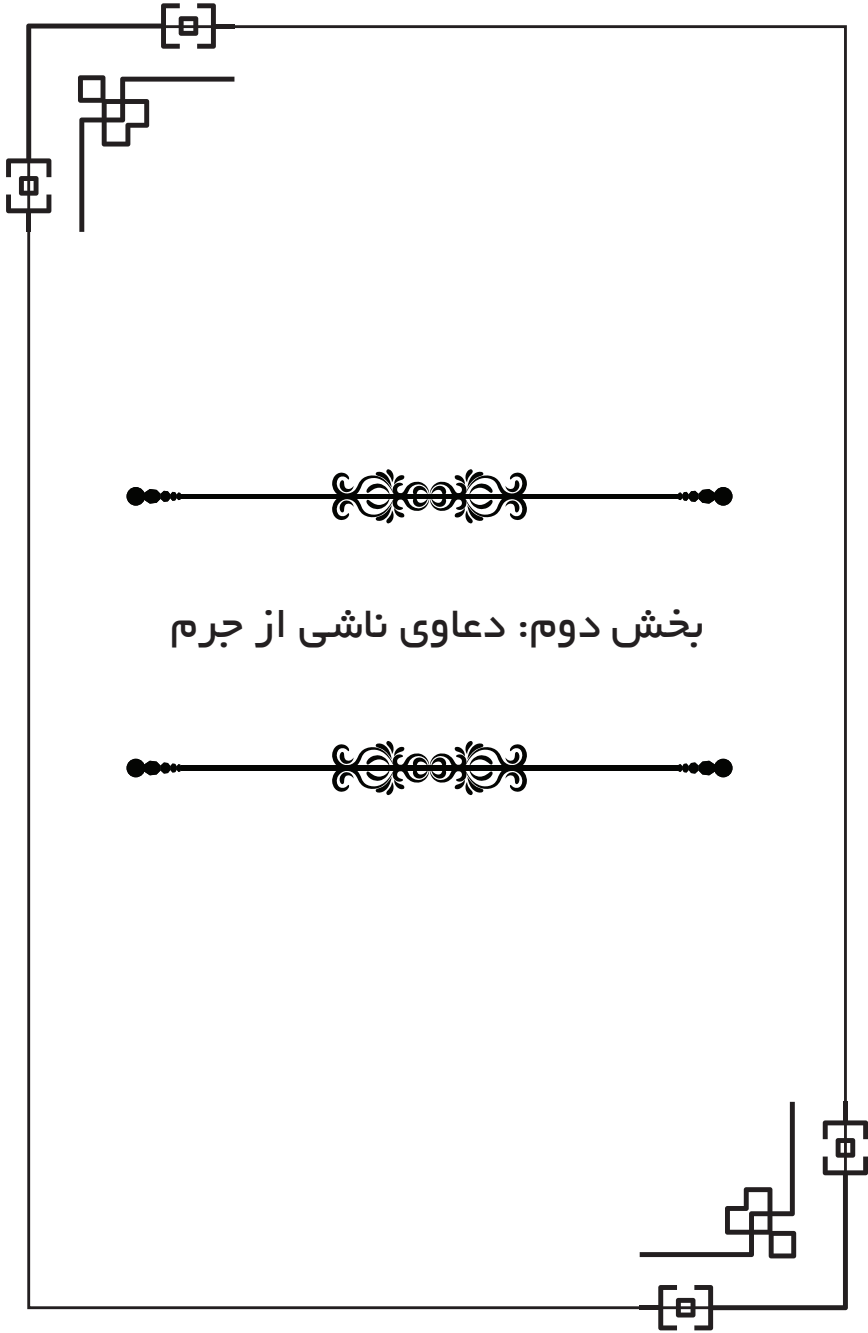
۵۰- رعایت حقوق مقرر در قانون، احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

ماده ۷ ق.آ.د. ک بعد از بیان اصولی که در شماره‌های قبل (در موارد ۴۱-۴۷) گفته شد در حکمی جالب توجه مقرر داشته است که در تمامی مراحل آیین دادرسی کیفری رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

این حکم از آن جهت قابل توجه است که در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی هیچ ضمانت اجرایی برای تخلف از مقررات مندرج در این قانون پیش‌بینی نشده بود و بدین سان رعایت نکردن آن از سوی ضابطین یا مقامات قضایی چنانچه عنوان مجرمانه مستقلی نداشت، جرم تلقی نمی‌گردید اما با تصویب این ماده، متخلف از مقررات قانون یاد شده به مجازات مندرج در ماده ۵۷۰ ق.م.ا (منظور کتاب پنجم تعزیرات است) یعنی حبس از دو ماه تا سه سال و انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی محروم خواهد شد.

همان‌گونه که قبلاً گفته شد حقوق مقرر در قانون احترام به آزادیهای مشروع بسیار متعدد و متنوع است که از آن جمله

می‌توان به رعایت حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم توسط محاکم و دادرها، فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهمان (بند ۳)، ارسال پرونده افراد بازداشت شده ظرف مهلت مقرر به مرجع قضایی، اطلاع به خانواده دستگیر شدگان (بند ۵)، خودداری از رفتارهایی نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف متهمان (بند ۶)، خودداری از پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر متهمان از جانب بازجویان، خودداری از بردن متهمان به مکان‌های نامعلوم (بند ۷)، خودداری از افشای مضمون نامه‌ها و عکسهای خانوادگی متهمان و ضبط بی‌مورد آنها (بند ۸)، هرگونه شکنجه به منظور کسب اقرار (بند ۹)، طرح سوالات غیر مرتبط با اتهام انتسابی و خودداری از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و گناهان گذشته افراد (بند ۱۱)، نوشتن پاسخهای متهمان به همان صورت که بیان شده و خودداری از تحریف پاسخها (بند ۱۲) و دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبط و توقیف شده متهمان (بند ۱۴) اشاره کرد.



بخش دوم: دعاوی ناشی از جرم

